پدیده شهر

هفته‌نامه سیاسی اجتماعی فرهنگی

یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم

دوره جدید، شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان

December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

حل مشکلات بی پایان پیاده راه ۱۷شهریور؛ آرزوی نجات ساکنان

جزیره امام حسین(ع)

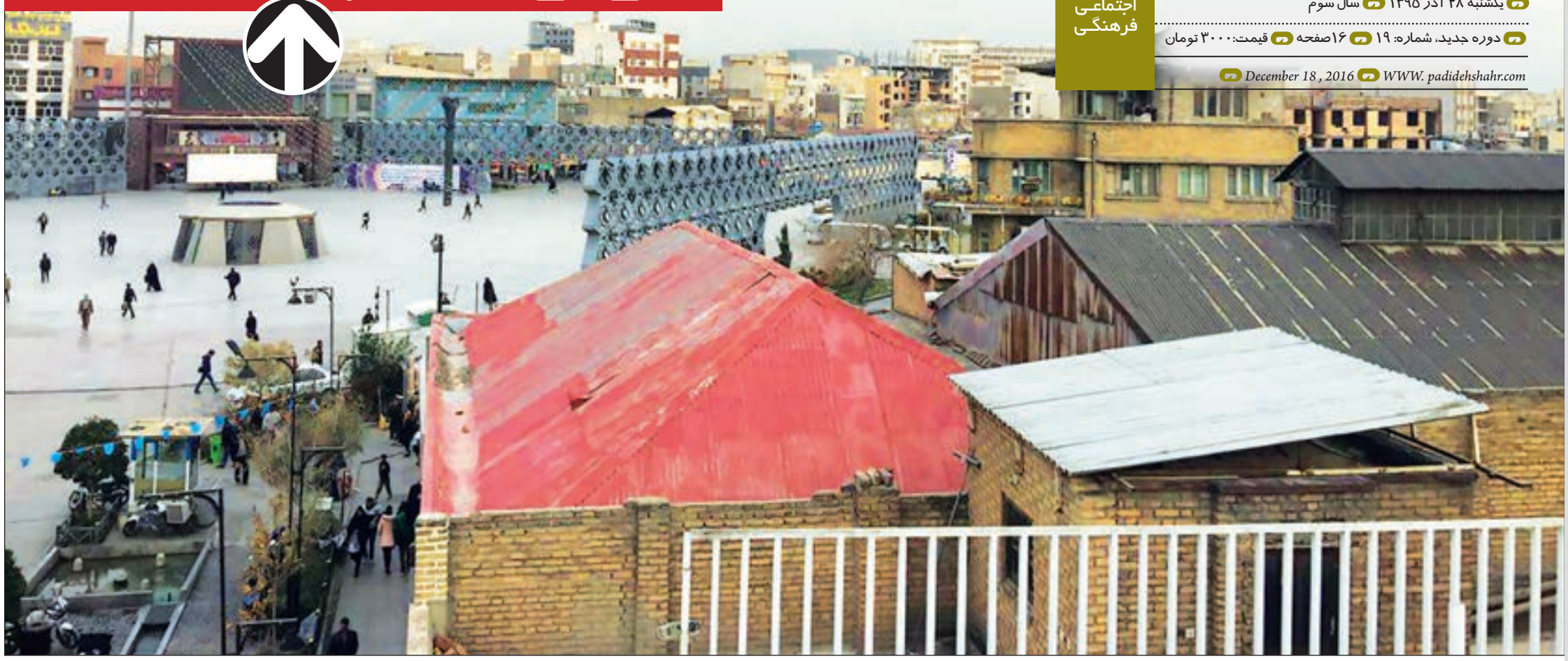

سایه سنگین پادگان «دوشان تپه» بر محله «قاسم آباد»

وعده قالیباف پنج ساله شد!

سردبیر «پدیده شهر» مطرح کرد:

لزوم تغییر نوع نگاه به «مساله» تهران

۲

ارمغان پیاده راه سازی خیابان ۱۷ شهریور

لکه فقر بر دامن محله امام حسین(ع)

۵

کارشناسان بررسی کردند:

مرتضی گرد؛ واقعیت یک منطقه ممنوعه

۱۳

هفته نامه «پدیده شهر» بررسی می کند:

بن بست پشت دیوارهای پادگان!

۱۴

صدای محله‌های تهران است

آگهی خود را به ما بسپارید ۸۸۳۲۰۶۵۴

هفته‌نامه پدیده شهر سیاسی اجتماعی فرهنگی

پدیده
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

جزیره امام حسین(ع)

حل مشکلات بی پایان پیاده راه ۱۷ شهریور؛ آرزوی نجات ساکنان

افسانه قانع | این روزها فریادهای تبعید شدگان جزیره امام حسین(ع) خنجری است در گلو. چشمان منتظرشان همچنان منتظر کشتی نجات است تا آنها را از این جزیره خارج کند... وعده های عملی نشده کسبه میدان امام حسین(ع) خونشان را به جوش می آورد. ۵ سالی می شود که این میدان از رونق افتاده است و کارو کاسبی زیرک وجب خاک وعده های عملی نشده مسئولان شهری را کت مانده است. ۵ سالی می شود کسبه دومین میدان پر رفت و آمد تهران نان در خون و آه می زنند تا شکم زن و بچه های خود را سیر کنند و باسیلی صورت زرد شده از غم بدهی هایی که یکی بعد از دیگری بر سنگینی بار زندگی شان می افزاید؛ سرخ می کنند. حتی نام متبرک میدان هم نتوانست آنها را از برزخ نجات دهد. «... یک روزی کاسبی در پاساژ های اطراف میدان امام حسین(ع) رونق داشت و این روزها دخل این مراکز تجاری کوبی گرد مرده پاشیده اند.» وقتی کاسبی به سازز ند گی اند کوک نباشد آن وقت است که صحن بزرگ سنگ فرش شده وسط میدان در نظر می شود تعزیه زندگی است که هر روز آن غمی را بر دلت می نشاند. آن وقت است که خودت را محصور در میان لشکر آسیب های اجتماعی می بینی. از اعتیاد گرفته تا فروش مواد مخدر و حتی تن فروشی زنانی که غروب هالوندی شان می شود آخرین نیری که به سمت قلبت نشانه می رود... اینجا محله لاسدی است، نزدیک ترین محله به میدان تاریخی امام حسین(ع) میدانی که در پشت ظاهر زیبایش داخل معضلات در حال غرق شدن است.

تاریخ تهران معاصر میدان امام حسین(ع) را بعد از میدان آزادی دومین میدان پر رفت و آمد شهر تهران معرفی مکند. میدانی که نخستین تحرکات ملی از پیروزی انقلاب اسلامی گرفته تا اعزام نیروهای مردمی به جبهه برای دفاع از خاک وطن در خود دیده است. هنوز هم در زمان راهپیمایی مردم در مناسبت های تاثیر گذار انقلابی اولین مسیر میدان امام حسین(ع) معرفی می شود. زمانی که این میدان قدمی دچار رستاخیز شد؛ وعده داده شده بود تا پرچم حرم امام حسین(ع) در اینجا به احتزاز در می آید و این میدان به یک پیاده راه آئینی تبدیل خواهد شد تا خیابان ۱۷ شهریور.

اما نه از پرچم حرم بار خبری است و نه وعده های که داده شد. گویی میدان امام حسین(ع) به سپاه آسیب های اجتماعی و مشکلات واگذار شده است تا بتازند و غارت کنند زندگی و جان مردم را: «... روز اولی که می خواستند میدان امام حسین(ع) و خیابان ۱۷ شهریور را به یک پیاده راه آئینی و مذهبی تبدیل کنند؛ بنرهای تبلیغاتی زیادی زدند و گفتند با اجرای این طرح در اطراف میدان پارکینگ های متعددی ساخته می شود. می گفتند پایانه تاکسی و اتوبوسرانی بهتراز قبل در اطراف میدان می سازیم تا رفت و آمد مردم به ماندند گذشته به اینجا آسان باشد... روز اول که آمدند میدان را درست کنند، گفتند اینجا به یک مسیر پیاده راه امن تبدیل می شود... اما ۵ سال است که یک لحظه امنیت نداشته ایم... انگار مدیران شهری فقط مامور بر هم زدن میدان بودند... آمدند کار خودشان را کردند و رفتند... اولین مصداق امنیت در یک فضای شهری تامین نور آن است اما این میدان اصلا وضعیت روشنایی مناسبی ندارد و یک مسیر پیاده راه در تاریکی ساختند و رفتند...»

این ها حرف های کسبه اطراف میدان امام حسین (ع) است که حرف های زیادی برای گفتن دارند و از وعده های عملی نشده مسئولان شهری به ستوه آمده اند: «... به رغم تمام وعده هایی که دادند و رفتند؛ الان رفت و آمد مردم به این میدان به سختی انجام می شود... مردم برای رفتن به میدان شهدا و یا خیابان های اطرف یا باید پیاده بروند و یا آنقدر منتظر در چند ایستگاه تاکسی باشند که شاید نوبت سوار شدن به آنها هم برسد... اگر هم یک معلول بخواهد از این میدان به سمت میدان شهدا برود که مصیبت زیادی دارد...»

هر چند ابتدایی ترین استانداردهای یک مسیر پیاده راه ایمن تامین سلامت جان عابران پیاده است؛ اما این مسیر بیشتر از آنکه زیر پاهای عابران قرار گرفته باشد؛ مسیری است برای جولان موتور سیکلت هایی که این مسیر را با پیست موتور سواری اشتباه گرفته اند: «... این پیاده راه مسیر جولان موتور سوارها شده است... چون کف پیاده راه سنگ فرش شده؛ موتور سوارانی که با سرعت در این مسیر حرکت می کنند روی سنگفرش سر می خورند و عابران پیاده برخورد می کنند...»

هر چند پیاده راه میدان امام حسین(ع) و خیابان ۱۷ شهریور از سال ۹۰ تا کنون هیچ امنیتی را برای ساکنان مجاورش به ارمغان نیاورده است؛ اما امنیت را برای یک گروه خاص به خوبی تامین کرده است: «... اینجا معتادان، مواد فروش ها، خفت گیرها، اراذل و اوباش و تن فروش ها در امنیت کامل به سر می برند...» هر چند زمانی که شهرداری تهران تصمیم گرفت تا با پیاده کردن المان های معماری ایرانی- اسلامی خواب آرام دست اندرکاران آسیب های اجتماعی را پشت پلک های زمخت شان بر هم بزند؛ اما این معادله نتیجه برعکس داشت و خواب آرام از اینجا پلکان ساکنان محله دزدید: «... هر چند مامورانِ نیروی انتظامی در این میدان حضور دارند و فعالیت می کنند و هر شب تعدادی از خلافکارها و اراذل و اوباش هم دستگیر می شوند... اما تاثیری ندارد...»

زمانی نبرد بین خوبی و بدی و حق و باطل در فضای لخت و خالی خالی میدان امام حسین(ع) به روی صحنه رفت که اجرای یک طرح شهری اقتصاد حلال کسبه میدان را دو دستی به اقتصاد سیاه و زیر بوستی عروسک گردان های اعتیاد و فروش مواد مخدر و تن فروشان دو دستی تقدیم کرد. ۵ سالی می شود که صدای قیچیه صاحبان ماسک های سیاه در کوچه پس کوچه های پشت ظاهر زیبای میدان در گوش ساکنان زوزه می کشد

عابدین ساناری اسکر

آنچه امروزه به عنوان «محله محوری» نام گرفته است، فقط کاریکاتوری کم رنگ از این پدیده عمیق و مدل مناسب و مطلوب اداره کلان شهر تهران می باشد

لزوم تغییر نوع نگاه به «مساله» تهران

تهران شهر پیچیده و عجیبی است. یک لایه بیرونی و ظاهری دارد که شامل محاسن و معایبی است که با چشم ظاهر دیده و هر روزه در مورد آن در رسانه ها گفته و شنیده میشود. از ترافیک، آلودگی، تراکم بالای انسانی و انواع و اقسام آسیب های اجتماعی گرفته تا فرصت های متنوع اقتصادی و جذابیت های فراوان زیست شهری.

در یکی دو دهه اخیر تلاش های قابل تقدیر بسیاری صورت گرفته و زیر ساخت های مناسبی مانند مترو، اتوبان ها و تاسیسات شهری ایجاد شده است. اما همین تهران به ظاهر زیبا و فربینده یک لایه درونی و پنهانی در درون خود دارد که کمتر به آن توجه می شود.

در دوماه گذشته کوشیدم تا به محلات محروم تهران بروم. تجربه ملموس این دوره تصویر روشن تری از لایه های درونی تهران به من داد. بدون اغراق می توان گفت در برخی محلات تهران زندگی به هیچ وجه شباهتی با دکور زیبای بیرونی تهران ندارد. بر خی از این محلات اساسا فراموش شده اند. انواع و اقسام مسائل و مشکلات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و فرهنگی دارند. در برخی از این محلات اساسا جامعه غرق در فقر و تباهی اجتماعی است. به باور نگارنده بخش عمده این مساله ریشه در توسعه ناموزون و سطحی تهران دارد. بدون شک نگاه حاکم بر ذهنیت گردانندگان مدیریت شهری یکی از عوامل اصلی این مدل از توسعه تهران بوده است. باید پذیرفت صرفنظر از هزینه های پیدا و پنهان تحمیل شده به تهران در چند دهه اخیر، تهران امروزه به حداقل های زیرساختی مورد نیاز خود نزدیک شده است. دستیابی به این حداقل ها بدین معناست که دقیقا از همین امروز باید به درون تهران رفت و به گونه ی دیگری به آن نگاه کرد. اگر تعبیر «محله محوری» را برای نیل به این مقصود به کار ببرم، احتمالا اذهان به سرعت به سمت وضعیت کنونی یعنی ساخت سراها و مواردی از این دست خواهد رفت. اما باید صریحا عرض کنم که آنچه امروزه به عنوان «محله محوری» نام گرفته است، فقط کاریکاتوری کم رنگ از این پدیده عمیق و مدل مناسب و مطلوب اداره کلان شهر تهران می باشد. باید در ابتدا این تغییر ذهنیت در نگاه گردانندگان شهر تهران ایجاد شود که از سطح و ظاهر تهران به عمق و درون آن بروند، سپس الزامات این تغییر نگاه را هم بپذیرند و هم عملیاتی کنند. نخبگان شهر تهران می توانند و باید صورت مساله شهر تهران را به گونه دیگری مطرح کنند. اگر این اتفاق بیفتد می توان به تغییر نگرش مدیریت شهری تهران امیدوار شد و گرنه در بر همین پاشنه خواهد چرخید. یادمان باشد همین امروز باید این اتفاق بیفتد و گرنه فردا دیر است و پدیده های اجتماعی به ما فرصت اندیشیدن نمی دهد!

سردبیر هفته‌نامه «پدیده شهر»

۵۴۲ میلیارد تومان، درآمد حاصل از جرایم رانندگی در تهران

معاون برنامه ریزی، توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران با اظهار شگفتی از اظهارات آقای نوبخت رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور گفت: انتظار رسانه ها خصوصا افکار عمومی و مردم تهران از سخنگوی محترم دولت این بود که با آمار و ارقام که تخصص ایشان است و از رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور انتظار می رود پاسخ یک سوال منطقی را بدهند. امانی اظهار کرد: ایشان فرموده اند مبالغ مختلفی داده شده است، سوال ما این است این مبالغ چقدر است؟ بابت چه موضوعی داده شده است؟ قرار بوده چه مبلغی پرداخت شود؟ از طرفی در کمال تعجب و شگفتی، ایشان ۳ موضوع را فرموده اند که ما نمی خواهیم وارد جواب دادن شویم؛ موضوع را سیاسی کنیم و از همه مهمتر فرموده اند اینکه آبروبری کنیم را درست نمی دانیم! معاون شهردار تهران ادامه داد: حتماً جناب آقای نوبخت باید جواب مردم تهران و نمایندگان آنان در شورای اسلامی شهر تهران را که قریب به ۴ سال است از دولت مطالبه حق قانونی خود را خصوصاً در زمینه حمل و نقل عمومی دارند بدهند و بفرمایند به چه علت دولت سهم پایتخت نشینان را در زمینه توسعه حمل و نقل عمومی خصوصاً مترو و اتوبوسرانی را پرداخت نمی کنند؟ باید جواب مردمی را که در سوز سرمای زمستان در ایستگاه های اتوبوس معطل می مانند بدهند؟ باید جواب مردمی را که در ایستگاه های مترو و با فشار سوار و پیاده می شوند و در طول مسیر نیز ایستاده و متراکم هستند را بدهند. امانی بابیان اینکه مطالبه حق مردم تهران خصوصاً اقشار آسیب پذیر و کم درآمد که وسیله نقلیه شخصی ندارند و از حمل و نقل عمومی استفاده می کنند سیاسی نیست، تصریح کرد: اتفاقا این مطالبه کاملاً موضوعی اجتماعی و قانونی است و حق مدیریت شهری است که روشنگری و شفاف سازی کند.

پدیده
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

دنیامالی

برای جلوگیری از بروز اتفاقات اسفناک باید از امروز برنامه ریزی های لازم چه در کمیسیون ها و چه در تعامل با سازمان مدیریت صورت گیرد

افزایش جمعیت شهرهای اقماری هشدار ی برای شهر تهران

دنیامالی نسبت به ایجاد شهرهای اقماری و افزایش جمعیت آنها در حاشیه شهر تهران هشدار داد.

به گزارش اداره کل ارتباطات و امور بین الملل شورای اسلامی شهر تهران احمد دنیامالی رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران در جریان تذکرات پیش از دستور جلسه سیصدودوازدهم شورای شهر تهران نسبت به افزایش جمعیت شهرهای اقماری شهر تهران اعلان خطر کرد.

وی گفت: رشد جمعیت در شهر تهران و شهرهای اطراف از هیچ قاعده ای پیروی نمی کند به گونه ای که در سال ۵۵ جمعیت استان تهران که شامل قزوین و کرج هم می شد ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر و جمعیت شهر تهران ۴ میلیون نفر بود این در حالی است که بر اساس آمارها جمعیت استان تهران در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۱۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بود که ۸ میلیون نفر آن در شهر تهران زندگی می کردند. عضو شورای شهر تهران نسبت های جمعیت شهرهای اقماری را خطرناک دانست و تصریح کرد: تاکنون بیش از ۶۰ روستا در اطراف تهران تبدیل به شهر شده که برای شهر تهران خطر بالقوه ای است اگر این روند کنترل نشود، به زودی دو استان و این محدوده ایجاد می شود.

دنیا مالی ادامه داد: جمعیت شهرهای جنوب شرق پایتخت در حدود یک میلیون نفر و جمعیت شهرهای جنوب غرب در حدود یک میلیون و دویست هزار نفر است که آنها بر اساس قانون می توانند مدعی تشکیل استان شوند. وی تاکید کرد: در نتیجه این افزایش جمعیت شهرهای اقماری در آینده موجب تشدید قطبی شدن جمعیت شده و همچنین مفهوم روستا و شهر مغایر با اهداف توسعه منطقه ای شکل می گیرد. عضو شورای اسلامی شهر تهران ادامه داد: تشدید تخریب اراضی مزروعی و باغات، افزایش ساخت و سازهای غیر مجاز، بهره برداری از منابع خارج از توان اکولوژیک و ایجاد مخاطرات جدی زیست محیطی از دیگر عوارض این افزایش جمعیت است. وی در پایان تاکید کرد: برای جلوگیری از بروز اتفاقات اسفناک باید از امروز برنامه ریزی های لازم چه در کمیسیون ها و چه در تعامل با سازمان مدیریت صورت گیرد چرا که در ۵ سال آینده دیگر شهر تهران جوابگوی ترافیک نخواهد بود.

رییس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران

عمدی بودن ۱۵۰ تخریب باغ در تهران طی سه سال اخیر

نماینده شورای شهر تهران در کمیسیون ماده ۷ در خصوص وضعیت قانون «برج – باغ» و تاثیر آن بر حفظ و یا تخریب باغات توضیحاتی را ارائه کرد.

محمد مهدی تندگویان در گفت‌وگو با ایسنا، گفت: وقتی قانون «برج – باغ» ابلاغ و اجرایی شد، عملا ما به طور قانونی اجازه تجاوز به باغ ها را دادیم. وی ادامه داد: تا قبل از ابلاغ این قانون هیچ تعریفی از تخلف در حوزه باغات نداشتیم. یعنی در گذشته اگر بنایی در باغ ساخته شده بود به همان متراژ مالک می توانست بازسازی کند اما با ابلاغ این قانون مالکان می توانستند از بخشی از متراژ منفعت ببرند و در این راستا نیز امتیازهایی نیز در نظر گرفته شد که منجر به حفظ باغ می شد. اما عملیاتی نشده است.

وی با بیان اینکه بر اساس این قانون مالک مجاز است در ۳۰ درصد عرصه، بنا بسازد اما در تهران بالای ۹۰ درصد برج باغ ها برای ایجاد پارکینگ تا ۱۰۰ درصد عرصه ملک خود را گودبرداری می کنند گفت: از دیگر اشکالات وارده به این قانون این است که به عنوان نمونه در معبری که عرضش ۶ یا ۸ متر است و تعداد باغات کنار هم زیاد است با چه توجیهی مجوز ۱۰ تا ۱۱ طبقه را داده اند.

وی افزود: زمانی وقتی در رولنجک و الهیه می رفتیم، کوچه ها پر از باغ بود اما امروزه این باغات تبدیل به برج باغ شده و جالب است که در هیچ جای دنیا چنین اتفاقی نمی افتد.

وی با بیان اینکه در حال حاضر ۷۰ درصد این باغات از بین رفته اند گفت: اگر قوه قضاییه کمک کند و در دو سه پرونده بزرگ مقیاس که عامدانه بودن نابودی باغ کاملا محرز است مصادره باغ را به نفع مردم مد نظر قرار می داد، وضعیت باغ بهبود پیدا می کند چرا که سودجویان از پس مصادره باغ، عقب نشینی می کنند.

نماینده شورا در کمیسیون ماده ۷ با بیان اینکه در طول سه سال گذشته بالغ بر حداقل ۱۵۰ مورد عمدی بودن تخریب درختان و باغات مشخص شده است گفت: برای اعمال قانون این پرونده ها را به قوه قضاییه فرستادیم با این وجود حتی یک رای هم به نفع شهر نبوده است.

به رغم تمام وعده هایی که دادند و رفتند، الان رفت و آمد مردم به این میدان به سختی انجام می شود... مردم برای رفتن به میدان شهدا و یا خیابان های اطرف یا باید پیاده بروند و یا آنقدر منتظر در چند ایستگاه تاکسی باشند که شاید نوبت سوار شدن به آنها هم برسد... اگر هم یک معلول بخواهد از این میدان به سمت میدان شهدا برود که مصیبت زیادی دارد

داشته باشیم و نه مشتریانمان وقت پیدا کردن جای پارک را دارند... هفته پیش بود که سر کوچه حکیم اللهی خیابان صفا یک خانمی را خفت گیری کردند... وقتی در روز روشن مردم را خفت گیری می کنند؛ خب مشتری های گذری که می خواهند خرید کنند با وجود این مشکلات پا به اینجا نمی گذارند...» حتی اعتراض های مردم برای بار کردن مسیر خیابان صفا هم نتوانست اقتصاد به خواب رفته میدان امام حسین(ع) را بیدار کند: «... باز کردن مسیر خیابان صفا فقط دسترسی محلی را برای ساکنان محل بهتر کرده است... اما عابران گذری به دلیل عدم اطلاع رسانی نمی دانند این مسیر هم وجود دارد... گفته بودند وسیله نقلیه خطی می گذارند؛ از آن همه وعده تنها چند تا خط تاکسی گذاشتند... از خطوط وعده داده شده اتوبوسرانی هنوز خبری نیست... وقتی سوال می کنیم؛ می گویند که باید میدان تغییر کند. خب! اگر اجرای یک طرح شهری از ابتدا اشتباه است، پس چرا این کار را انجام می دهند تا مشکلات مردم را زیاد کنند... چرا ساکنان و کسبه باید تاوان این اشتباه را بدهند... اما اگر این طرح با فکر انجام شده، چرا بودجه ای برای رفع اشکالات طرحی که خودشان اجرا کرده اند؛ تعیین نمی کنند...»

در طول ۵ سال اخیر کسبه زیادی در حوالی میدان امام حسین به ورشکستگی رسیدند و مغازه های خودرا بستند. این ها را جوانی می گوید که ۵۰۰ میلیون تومان بابت اجرای طرح پیاده راه میدان امام حسین(ع) خسارت دید: «... کل سرمایه خودم و پدرم بود... وقتی مغازه نمی چرخد و چک ها یکی بعد از دیگری برگشت می خورد... وقتی راه ورود مردم را به میدان بسته اند... خب ورشکسته می شویم... اینجا مغازه های زیادی هستند که در استانه ورشکستگی قرار دارند. مغازه های به ۴ نفر در آن کار می کنند و باید نان ۴ تا خانواده از این مغازه تامین شود... اما نان مردم را بردند...»

و دیوار صوتی آرامش را در محله شکسته است: «... این محدوده بیشتر به یک مرکز محلی تبدیل شده است و تجاری بودن خود را از دست داده است... سامانه های تاکسی و اتوبوسرانی به خوبی نتوانسته در این محدوده به مردم خدمات رسانی کنند... غیر از اینکه ساکنان این محله سرگردان هستند؛ عابران گذری این مسیر هم وادی سرگردانی را حتما تجربه می کنند...» روزی نیست که عابران گذری میدان امام حسین(ع) آدرس ایستگاه مترو را از رهگذران و کسبه نپرسند. هر چقدر هم با انگشت محل ایستگاه مترو را نشان دهی، اما هستند مسافرانی که در خیابان دماوند به جای خیابان انقلاب در به در به دنبال ورودی ایستگاه مترو می گردند و خسته بعد از یک دور باطل دوباره به همان نقطه اول می رسند. نبود علائم و تابلوهای که به راحتی مردم را به سوی وسایل نقلیه عمومی هدایت کند؛ باعث شده تا وظیفه اطلاع رسانی شهرداری روی دوش کسبه بی کار شده مغازه های اطراف میدان بیفتد: «... خیلی جالب است که دومین میدان بزرگ پایتخت تنها یک ورودی ایستگاه مترو دارد که آن هم باید ۳۰۰ متراز میدان امام حسین(ع) خارج شوی و به سمت میدان انقلاب داخل یک خیابان فرعی آن را پیدا کنی...»

۵ سال است که شرمنده زن و بچه ها یمان هستیم

«... از وقتی که میدان امام حسین(ع) پیاده راه شده است، دیگر پاساژهای اینجا مشتری گذری ندارد... مشتری های محلی هم آنقدر نیست که جواب کسبه مغازه های ۵ مرکز تجاری را بدهد... قبلا مشتریانی از غرب و شرق تهران داشتیم که با ماشین هایشان به اینجا می آمدند، پارک می کردند؛ خرید می کردند و می رفتند... برخی از پاساژهای اینجا ۴۰ سال قدمت تجاری دارد... اما الان به دلیل اینکه اینجا جای پارک ندارد و مردم در ترافیک خیابان های اطراف اسیر می شود؛ نه ما می توانیم فروش

پدیده
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

وطن ایران

هرگز نباید ایده‌ها و طرح‌های نو الهام گرفته از یک فرهنگ غربی یا خارج از کشور باشد

فعالیت‌های نوظهور دروازه‌غار یک اشتباه بود

دیوار مهربانی، یخچال‌های دروازه غار و فعالیت‌های نوظهوری که تنها چند ماه بیشتر در جامعه دوام نیاوردند، یک اشتباه بود.

مدیر عامل خانه خورشید گفت: مردم باید همه ابعاد آسیب‌های تهدیدکننده یک اجتماع را بشناسند و باید این باور بین مردم اتفاق بیفتد که خوشبختی در رضایت جمعی است و هر فردی وظیفه شهروندی و مسئولیت خودش در قبال مردم جامعه قبول کند.

لیلا ارشد بیان کرد: اگر قرار باشد در حوزه مسائل اجتماعی یک اتفاق خوب بیفتد و فعالیتی هدفمند انجام شود، نیازمند تغییرات هستیم. یکی از این تغییرات، آوردن ایده و طرح‌های نو در بستر فعالیت‌های داوطلبانه است تا از این طریق بتوان نظر و احساسات مردم را نسبت به یک موضوع جلب کرد. با این تعریف اما نمی‌توان ادعا داشت هر ایده‌ای که صرفا نو باشد می‌تواند با هدف گرفتن احساسات جامعه و جریحه‌دار کردن عواطف مردم، گام‌های موفقیت را بردارد.

وی ادامه داد: هرگز نباید ایده‌ها و طرح‌های نو الهام گرفته از یک فرهنگ غربی یا خارج از کشور باشد، چراکه به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و تفاوت نوع مشکلات کشور ما با کشورهای دیگر قطعا پدیده‌های کپی‌برداری شده نتیجه‌بخش نخواهند بود. واقعیت این است که کار کردن در جامعه و ایجاد تغییرات کوچک پوست‌انداختن می‌خواهد. شاید با مثال این موضوع روشن‌تر شود، این که مثلا در رابطه با همان یخچال‌هایی که در دروازه غار گذاشتند تا کارتن خواب‌ها و معتادان از مواد غذایی داخل آن استفاده کنند. نتیجه‌اش چه بود؟ عده‌ای آمدند و سهم خودشان را که هیچ، سهم دیگران را هم برداشتند و غذاها را به هم‌نوعانشان فروختند. خب، این اتفاق‌ها اصلا به نفع شرایط آسیب‌پذیر اجتماعی نیست. یا مثلا در رابطه با همین دیوارهای مهربانی گاهی لباس‌های مندرس، کفش‌های پاره و پوشاک کثیفی به این دیوار آویخته شد و درواقع شأن اجتماعی نیازمندان را پایین آورد، حتی برخی از این لباس‌ها و لوازم آن قدر غیرقابل استفاده بودند که نیازمندان هم رغبتی به برداشتن آن نداشتند. به همین خاطر این روند کاملا اشتباه بود، چراکه انگار دیوار مهربانی و هدف از ایجاد آن برای عده‌ای از مردم جانیفتاده بود.

ارشد تصریح کرد: وقتی کار فرهنگی در این زمینه انجام نشود و مسأله حمایت داوطلبانه از نیازمندان و کارهای نیکوکارانه به‌صورت یک مسئولیت اجتماعی در ذهن مردم جانیفتد، برداشت مردم هم اشتباه خواهد شد. همین هم می‌شود که شاید عده‌ای که حالا تعدادشان زیاد هم نبود، اما به هر حال آمدند و مندرس‌ترین لباس‌های‌شان را که تنها به درد دور ریختن می‌خورد به عنوان کار خیر به یک انسان نیازمند هدیه دادند!

این فعال اجتماعی تاکید کرد: چنین کارهایی حتی چهره شهر را نیز برهم‌می‌زند و درواقع تصویری را به رخ رهگذران می‌کشد که چندان زیبا نیست. همین نازیبایی حتی شاید به فاصله طبقاتی نیز بیشتر دامن بزند. بنابراین اینها موج‌هایی است که هرگز تغییرات ایجاد نمی‌کند و تنها در یک دوره‌ای ظاهر شده و بدون رسیدن به هدف از بین می‌رود.

ارشد اظهار کرد: در فرهنگ ما کمک کردن به کودکان و بیماران جایگاهی دارد که مردم را بیشتر تشویق می‌کند و برخی از این پدیده‌ها هنوز برای مردم خیلی زیاد جانیفتاده است. باید باور داشت که آسیب‌های اجتماعی تنها به مشکلات کودکان و بیماران ختم نمی‌شود بلکه مردم باید همه ابعاد آسیب‌های تهدیدکننده یک اجتماع را بشناسند. باید این باور بین مردم اتفاق بیفتد و هر فردی وظیفه شهروندی و مسئولیت خودش در قبال مردم جامعه را بشناسد. قطعا پدیده‌های خیرخواهانه نیز بی‌هدف شکل نمی‌گیرند، چراکه همه اینها باعث می‌شود نگاه‌های کارشناسی و آنالیز کردن هر گونه فعالیت اجتماعی هدفمندتر باشد.

وی در پایان افزود: بنابراین باید خیلی صادقانه به مردم گفت دیوار مهربانی، یخچال‌های دروازه غار و فعالیت‌های نوظهوری که تنها چند ماه بیشتر در جامعه دوام نیاوردند، یک اشتباه بود. وقتی یک کاری انجام نمی‌شود، تنها شاید جای خالی‌اش احساس شود، اما وقتی یک کاری به اشتباه انجام می‌شود، نه تنها بعد از مدتی به دلیل شکست خوردن جای خالی‌اش احساس می‌شود، بلکه این تخریب ضربه‌های دیگری را به بدنه جامعه و اعتماد مردم وارد می‌کند. ماندگار کردن یک اتفاق اگرچه نیازمند ایده‌های نو است، اما این ایده‌ها بدون پرورش و پوست‌انداختن عده‌ای که دغدغه‌شان فعالیت‌های خیرخواهانه است، هرگز ممکن نخواهد بود.

این محدوده بیشتر به یک مرکز محلی تبدیل شده است و تجری بودن خود را از دست داده است... سامانه های تاکسی و اتوبوسرانی به خوبی نتوانسته در این محدوده به مردم خدمات رسانی کنند.... غیر از اینکه ساکنان این محله سرگردان هستند؛ عابران گذری این مسیر هم وادی سرگردانی را حتما تجربه می کنند

کسبه میدان از حرف های مسئولان شهری عصبانی هستند چرا که آنها کسبه را به صبر دعوت می کنند غافل از اینکه یک لحظه فکر کنند معترضان زیر فشار ورشکسته شدن زندگی خود را بابت چک هایی که یک به یک موعد پرداخت آن می رسد می بازند:«... می گویند این طرح فازهای زیادی دارد و شما بی تحمل هستید!... این چه حرفی است که می زنند... این طرح در سال ۹۰ اجرا شده است و الان سال ۹۵ است و چه بی تحملی ای ما کرده ایم؟...الان همسرم با من مشکل پیدا کرده است... می گوید در این مغازه را ببند. خب از اول کار من کفش فروشی بوده در این شرایط باید بروم یک موتور بخرم و مسافر کشی کنم... من و پدرم ۵۰ سال است نان خانواده را از همین مغازه در می آوردیم... اینجا را به خاک سیاه نشانده اند... نه دیگر مغازه های اینجا را کسی اجاره می کنند و نه می خرد... بدهی به مردم دارم و باید برای مردم کار کنم... از صبح تالان دشت نکردیم، روز گذشته دشت نکرده در مغازه را بستیم... سه ماه است که پول برق مغازه را نداده ایم... آمدند برق مغازه را قطع کنند که از ماموور برق خواهش کردم این کار را انجام ندهند تا بتوانم بدهی برق را پرداخت کنم... باید تا بعد از تعطیلات ۵۰۰ هزار تومان پول بابت بدهی برق مغازه دربیاورم... با این اوضاع دخل و خرجمان به هم نمی خوانند... به ما وعده زیاد دادند... گفتند دور میدان ایستگاه اتوبوس می زنیم... در این ۵ سال اعتراض های زیادی کردیم، حتی به شورای شهر تهران و جلوی مجلس رفتیم... اعضای شورا گفتند که به فکرمان هستند و منتظر تصویب بودجه برای رفع مشکل اینجا هستند...اما ما می دانیم طرحی که مشمول زمان می شود؛ یعنی اینکه مسئولان می خواهند اشتباه خود را فراموش کنند...از شهردار تهران گرفته تا اعضای شورای شهر... همه دوست دارند ساکنان جزیره امام حسین(ع) را فراموش کنند.»

۵ سالی می شود که کسبه مراکز تجاری اطراف میدان امام حسین(ع)؛ خرجی خانواده هایشان را جیب دادند:«... حتی اگر در آمد ماهانه خودمان را زیر خط فقر هم حساب کنیم؛ در ماه کمتر از ۲ تا ۳ میلیون تومان کمتر نمی شود... دوتا برادر هستیم که اینجا کار می کنیم... می شود سالی ۸۰ میلیون تومان در آمدی که ما دو نفر باید خرج زن وبچه هایمان می کردیم... سود هم نخواستیم...»

کسبه پاساژهای محسن، خوش قدم و شکوفه و روشن نگران فردای خود هستند و به یاد روزی می افتد که این خیابان با مشکلات زیادی که داشت کسب و کار در آن جریان داشت:«... ۶ سال پیش هر ۵ دقیقه دو اتوبوس دو کابینه اول ۱۷ شهریور مسافر پیاده و سوار می کرد... هر یک ساعت ۱۵۰۰ نفر وارد این میدان می شد... اما الان چی؟»

وقتی از آنهایی خواهیم به طرح پیاده راه سازی میدان امام حسین(ع) نگاه کنند و مزیت های آن را بگویند؛ به این موارد اشاره می کنند:«...اگر بخواهیم خوشبینانه به این طرح نگاه کنیم فقط آلودگی هوا در این محدوده کمتر شده است...

از سینماهای میدان امام حسین سایه‌ای هم نمانده

یک زمانی بود که میدان امام حسین(ع) به سینماهایش معروف بود. حتی داخل خیابان شلوغ شهرستانی هم یک سینما بود... بیشتر فیلم های این سینماها اکشن بود و برای هر سانس اش مشتریان خاص خودش را داشت. بیشتر فیلم های جمشید هاشم پور در این سینماها اکران می شد:«... چطور می شود که دومین میدان شهر که خودشان اعلام می کنند قرار است یک مرکز توریستی و مرکز اشاعه انقلاب و اسلام شود همه جور مشکلات دارد به جز آن چیزهایی که شهرداری تا کنون وعده داده است... فقط دور میدان بالغ بر ۳ تا سینما با اجرای این طرح بسته شد... داخل خیابان شهرستانی سینما رنگین کمان قرار داشت که بسته شد... سینما میامی، تهران و مراد هم بسته شدند... آن وقت شهرداری می گوید که در کارهای فرهنگی پیشقدم است و الان هر کسی در این محدوده بخواهد سینما برود باید به میدان انقلاب برود. مگه اینجا شهرستان است؟»

پیاده راه زیر قدم بازرگانان «تن»

اگر کسبه اصلی حواشی میدان امام حسین(ع) و خیابان ۱۷ شهریور بگذریم؛ این پیاده راه کسبه دیگری هم دارد؛ مواد فروشان و بازرگانان «تن» کاسبی فروشندگان «تن» از ساعت ۳ بعدازظهر شروع می شود و تا تاریکی هوا هم ادامه دارد... جمعه ها این پیاده راه می شود میدان اصلی کابل... خریداران تن روی نرده های اطراف میدان و نیمکت های پیاده راه می نشینند و شوی عرضه کنندگان گران قیمت ترین وجود انسانی شوی زنده برگزار می کنند. آن قدر علنی و عیان این کار را انجام می دهند که کسبه قدیمی با آمدن

از وقتی که میدان امام حسین(ع) پیاده راه شده است، دیگر پاساژهای اینجا مشتری گذری ندارد... مشترهای محلی هم آنقدر نیست که جواب کسبه مغازه های ۵ متر کز تجاری را بدهد... قبلا مشتریانی از غرب و شرق تهران داشتیم که با ماشین هایشان به اینجا می آمدند. پارک می کردند؛ خرید می کردند و می رفتند... برخی از پاساژ های اینجا ۵۰ سال قدمت تجاری دارد... اما الان به دلیل اینکه اینجا جای پارک ندارد و مردم در ترافیک خیابان های اطراف اسیر می شود؛ نه ما می توانیم فروش داشته باشیم و نه مشتریانمان وقت پیدا کردن جای پارک را دارند... هفته پیش بود که سر کوچه حکیم اللهی خیابان صفا یک خانمی راخفت گیری کردند... وقتی در روز روشن مردم راخفت گیری می کنند؛ شب مشتری های گذری که می خواهند خرید کنند با وجود این مشکلات پا به اینجا نمی گذارند

دوربین‌های زوج و فرد امان اهالی محل را برید است

محله اسدی شرقی این سوی اتوبان امام علی(ع) به سمت میدان امام حسین قرار گرفته است. بزرگراه امام علی که ساخته شد؛ این محله به دو قسمت غربی و شرقی تقسیم شد... تنها دسترسی محلی به محله اسدی غربی از بزرگراه امام علی مجهز به دوربین های زوج و فرد شده است و همین مساله مشکلات زیادی را برای ساکنان به وجود آورده است:«... قبلا این راه دسترسی باز بود و مردم می آمدند؛ اما از زمانی که دوربین کار گذاشته اند اهالی مشکلات زیادی دارند... نمی توانیم ماشین هایمان را کنار اتوبان رها کنیم... مجبور هستیم تا تخلف کنیم... حتی زمانی که این دوربین ها را شهرداری گذاشت فکری به حال اهالی محل و کسبه نکرد... مغازه های سوپر مارکت محل با مشکلات زیادی روبه رو هستند چون کامیون های توزیع کننده مواد غذایی داخل محله نمی توانند وارد شوند...»

امنیت که ندارم چه برسد به حس امنیت!

ساعت ۱۰ که می شود محله اسدی امنیت ندارد. تازه سر شب اراذل و اوباش شروع می شود و درگیری و دعوای آنها بعد از مصرف مواد اهالی محله را چار مشکل می کند:«... شب ساعت ۱۰ آنها مجبورند تا مغازه های خود را ببندند تا این خفت فروشی را در مقابل دیدگان خود نبینند:«... تن فروشی زنان کاسبی جدید این مسیر است... قبلا چند نفر هم از شورای شهر هم به اینجا آمد و خودشان به چشم دیدند. حتی اعضای شورای شهر را به داخل کوچه حکیم الهی و ثارالله بردیم... در خانه ها را زدیم و خانم های خانه دار هم آنچه آدم شرم دارد از گفتنش به اعضای شورای شهر گفتند...»

غربتی های میدان شوش این بار در ابتدای خیابان ۱۷ شهریور کاسبی شرم آور خود را راه انداخته اند... آنقدر به کاسبی خود اعتماد دارند که گویی این مسیر پیاده راه تنها باید زیر پاهای آنها شرمزده شود... ساعت سه که می شود هم خریدارها سر و کله شان پیدا می شود؛ هم فروشندگان... سن و سالشان هم متفاوت است... از دختر کان ۱۶ ساله تا زنان ۵۰ ساله... این ها می آیند تا هستی خود را به قیمتی اندک بفروشند... تعداد مشتری ها هم زیاد است. از کارگران افاغنی گرفته تا مردان وطنی چهره های این زنان شناخته شده است. به راحتی را می روند، با هم حرف می زنند و صدای قهقه هایشان را در سکوت پیاده راه رها می کنند:«... به نظر می رسد یک باند ده نفره باشند... این راسته روی عرضه تن و بدن آنها روزگار می گذراند... برخی از کارگران افغانی از این زنان می ترسند چون این زنان آنها را سرکیسه می کنند... زن ها هم راه شان را بلد شده اند و افاغنه را از اینکه آنها را تحویل پلیس دهند؛ می ترسانند!»

روزهای جمعه بعدازظهر این میدان و پیاده راه ۱۷ شهریور می شود بازار مکاره زنان تن فروش... خریداران هم که گویی دور زمین در حال تکاه کردن جنگ ماتودورها هستند؛ با چشمانشان فروشندگان را ارزیابی می کنند... جمعه، عصر ها میدان می شود کابل! مردان به خاطر زنان تن فروش روی نرده های اطراف میدان می نشینند و ۱۰۰ نفری هم آن وسط در حال داد و ستد و چانه زدن هستند... از ابتدای خیابان ۱۷ شهریور تا حیابان صفا این کاسبی کثیف ادامه دارد تا بعد از توافق سر چهارراه صفا خریدار و فروشنده سوار ماشین می شوند و...

«...من فقط یک بار دیدم این خانم ها را گرفتند... ما گفتیم از شرشان راحت شدیم... غربتی های میدان شوش هستند... اما دوباره برگشتند... در کوچه های اطراف مانند توکلی و بختیاری قبلا ساکن بودند اما دائم خانه ها مجردی خود را تغییر می دهند... کوچه ثارالله و جهانفروز هم تعدادی از این افراد ساکن هستند... خانه های مجردی زیادی در این محدوده وجود دارد که اکثر آنها قاچاق فروش و یا روسپی هستند... یک بار هم نیروی انتظامی این خانه ها را شناسایی کرد و آدم ها را دستگیر کرد اما دوباره این خانه ها به افراد دیگر اجاره می دهند و این زن ها هم دائم خانه های خود را تغییر می دهند...»

به بعد داخل محله معتادان موادمخدر می کشند. خفت گیری زیاد می شود. امنیت در این محله نیست. خانه مجردی در کوچه های اینجا زیاد است. همه جا به کارگران خانه نمی دهند. اینجا به راحتی خانه اجاره می کنند. داخل کوچه کاهه خانه مجردی زیاد است. روشنایی خیابان ضعیف است. در محل دعوا زیاد می شود. مشروب می خورند و مواد می کشند و دعوا می کنند. قرار است شهرداری ناحیه در قالب طرح جهادی در محله های محروم وضعیت اینجا را درست کند.

همین زمین چمن مصنوعی را هم جمع کنید

محله اسدی تنها یک زمین چمن دارد. که جوانتر ها از آن استفاده می کنند. بچه ها کوچک هم مجبورند داخل کوچه ها فوتبال بازی کنند و امان از زمانی که توپ پلاستیکی آنها داخل اتوبان امام علی(ع) بیفتد. اما زمین چمن مصنوعی محله هم آرامش را از اهالی گرفته است:«... بچه ها از صبح تا شب در این زمین بازی می کنند و آسایش را از ما گرفته اند... تا زمانی که تاریک شود، داخل زمین هستند و بعد هم بساط کشیدن قلیون را چاق می کنند... ده بار قفل و بست زدیم اما فنس های زمین را می کنند و از لای نرده ها داخل زمین می روند... گاهی با هم دعوا می کنند و درگیر می شوند... ای کاش اینجا را پارک می کردند... قبل از اینکه اتوبان امام علی(ع) ساخته شود اینجا زمین فوتبال بود. بعد هم که اتوبان را ساختند؛ فکر کردیم می خواهند اینجا را بوستان کنند خوشحال شدیم اما دوباره زمین فوتبال شد...»

پدیده
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

ارمغان پیاده راه سازی خیابان ۱۷ شهریور

لکه فقر بر دامن محله امام حسین(ع)

در ادامه سفر به محله های محروم شهر تهران این هفته به منطقه ۱۳ شهرداری رفتیم . در این منطقه دو محله محروم وجود دارد . یکی از آنها محله «اسدی » است، این محله به دلیل اجرای طرح پیاده راه سازی خیابان ۱۷ شهریور عملا از سمت غرب مسدود است. سهم سرانه های خدماتی در این محله بسیار پایین است. ترافیک سنگینی در خیابان های آن به دلیل مسدود شدن مسیر میدان امام حسین (ع) وجود دارد. آسیب های اجتماعی نیز در آن وجود دارد که برخی از جلوه های آن نمایان تر می باشد. سمت شرقی این محله نیز توسط بزرگراه امام علی (ع) به دو تکه تقسیم شده است. فقر در ابعاد مختلف آن در این محله وجود دارد. شورایاران این محله بر این باورند که انقلاب به نوعی از این محله و میدان (میدان امام حسین (ع)) آغاز شده است، اما متناسب با انتظارات و حق مردم در آنجا اقدام خاصی صورت نگرفته است، این محله، محله پرمیتب و پوش و متراکمی است که زندگی با همه نارسایی های آن در آن جاری است. آنچه در زیر می آید، روایت شورایاران این محله از مسائل و مشکلاتشان می باشد که تقدیم می شود:

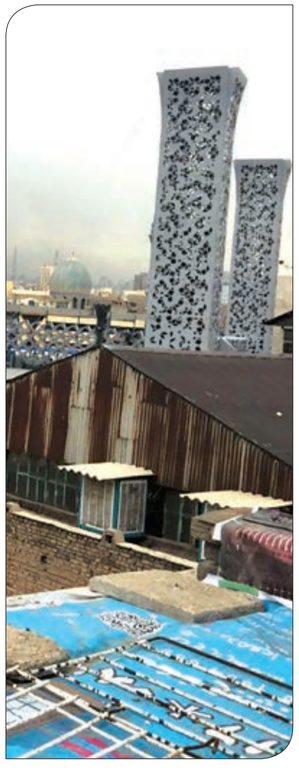

یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

محله‌ای محروم فاقد هرگونه امکانات

عباس حمزه عضو شورایاری محله «اسدی» اولین سخنران این نشست بود که به طرح دیدگاههای خود پرداخت. وی در ابتدا به انتظارات مردم از شورایاران در حل مشکلات محله اشاره کرد و افزود: مردمی که به ما رأی دادند از ما مطالبه می کنند و دوست دارند مسائلی را که به ما می گویند؛ در اولین فرصت حل شود، اما امکان پذیر نیست! ما در هر جایی با مردم محله صحبت می کنیم به آنها می گوییم: شما به ما رأی دادید که ما حامی شما باشیم و مشکلات شما را بگوییم که رفع کنند! ولی در حیطه قدرت شهرداری نیست! بسیاری از مسائل را می توانند حل کنند و بسیاری دیگر را نمی توانند!

> در بحث آسیب‌های اجتماعی، محله ما یکی از محله‌های حاصلخیز است که دلیل آن مهاجرت و خانه‌های مجردی که در بافت فرسوده وجود دارد، می باشد. ما یکسری کلاس‌های آموزشی گذاشتیم، با گروه‌های مختلف، با خانواده‌یشان در بحث ترک اعتیاد که این عزیزان را شناسایی می کنیم و معرفی می‌شوند یا گاهی خودشان معرفی می‌شوند و فعالیت داریم

معتادان در کوچه، پس کوچه‌ها

این شورایار سپس مشکلات محله خود را اینگونه توضیح داد: مشکل زیاد داریم، بر اساس کارشناسی انجام شده توسط شهرداری، محله ما جزء بافت فرسوده محسوب می شود. از نظر فرهنگی هم، کار فرهنگی کمی در این محله ضعیف انجام شده است! مشکل بعدی اعتیاد است. معتادان در کوچه، پس کوچه‌ها هستند، شهرداری هم خیلی کمک کرده، یک جاهایی بود که ما به شهرداری اطلاع دادیم، احتیاج به نامه‌نگاری هم نبوده، با یک تلفن که به شهردار ناحیه زدیم، بنده خدا زحمت می کشید و می‌فرستاد، آن خرابه‌هایی که معتادان بودند، آنجا را تمیز می کردند و آن‌ها را با نیروی انتظامی هماهنگ می کرد و آن‌ها را می‌بردند. ولی این مشکل فراگیر است، مشکل کل شهر تهران است و بحث محله ما نیست. از میدان شوش آن‌ها را فراری می‌دهند و آن‌ها می آیند این طرف! یکسری از اینجا می‌روند میدان شوش، برای این مسئله باید یک چاره اساسی اندیشیده شود! این خواسته اصلی مردم در رابطه با اعتیاد است که در گوشه و کنار می نشینند؛ یعنی جلوه و منظره خیلی بدی را در این شهر و محله‌ها حالا بحث محله ما نیست، برای شهر تهران جلوه خیلی زشتی دارد، بارها خود من هم برخورد کرده‌ام با این‌ها، گفتم آقا! شما نشسته‌اید اینجا، زن و بچه مردم عبور می کنند! از اینجا! حداقل بروید و در پشت ماشین قائم شوید، این بچه‌ها نبینند، این بچه‌ها می گویند این‌ها دارند چه کاری انجام می‌دهند، حتما دارند کار خوبی انجام می‌دهند!

خانه‌های مجردی

وی ادامه داد: مشکل دیگر این مردم، بحث خانه‌های مجردی است! من، یک تابلویی دیدم در خیابان اقبال که آگهی زده بود خانه مجردی و شماره تلفن هم نوشته بود! بافت محله از زمانی که این طرح پیاده رو ۱۷ شهریور انجام شد، بافت محله ما شد بافت مجردی! چون خانواده‌های ما از نظر امنیتی امنیت نداشتند، اکثرا خانه‌هایشان را فروختند یا اجاره دادند به مجردها!!

عضو شورایاری محله «اسدی» در بخش دیگری از سخنان خود، ضمن انتقاد از تغییرات پیاپی شهرداران منطقه افزود: هر شهرداری که می آید قول‌هایی می‌دهد، حالا مقداری از آن انجام می‌شود و بقیه آن برمی گردد به شهردار دوم و شهردار بعدی! الان خانم معدنی پور آمدند، ایشان بر مشکلات محله اشرافی ندارند، جلساتی می گذارند با شورایارها و شهردار ناحیه که اشراف پیدا کند. من نمی‌دانم چرا اینقدر تغییر و تحول در شهرداری و در سطح شهردار انجام می‌شود! چرا نمی گذارند یک شهردار باشد مثلا ۷، ۸ سال؟ به خصوص در منطقه ما پشت سر هم عوض می‌شود! هر دو سال یا یک سال یکبار یک شهردار عوض می‌شود! قول‌هایی هم می‌دهند، ولی عملی نمی‌شود. خب چاره‌ای هم ندارند؛ چون عوض می‌شوند! شهردار بعدی می آید، صحبتی هم کنیم، می گوید ایشان قول داده است من که نمی توانم روی گفته ایشان کاری انجام دهم!

وی سپس به طرح دیگر مشکلات محله پرداخت و گفت: محله ما یک محله محرومی است که هیچ گونه امکاناتی ندارد، از لحاظ مکان ورزشی هیچ گونه جایی اینجا ندارد! یعنی شما سراسر اینجا را بچرخید یک زمین چمن است که آن هم حاج آقا کاهه پیگیری کردند و زمین چمن زدند. یک زمین چمن خیلی کوچک است که فکر نمی کنم تعداد زیادی بتوانند در آن بازی کنند، نهایت چهار نفر به چهار نفر! یک فضایی هست سر نبش خیابان مرتجایی، یک فضای خیلی خوبی است. اگر آن را به ما بدهند، آماده کنند، آن راهم می‌شود سالن بحران، هم مکان ورزشی، می‌توانیم استفاده کنیم! ما چند بار در جلسه‌ها گفتیم، گفتند آن را داده‌ایم به پیمانکار! خب گفتیم، اگر سخن ما تاثیر گذار است ولی فکر می کنم بی تاثیر باشد. ما شورایارها هر چقدر صحبت کنیم، زیاد تاثیری ندارد، یعنی آن کاری را که بگوییم انجام دهند، انجام نمی دهند برای ما!

دوربین‌های ترافیکی

این شورایار فعال در ادامه به مشکلات ناشی از نصب دوربین در ورودی های محله اشاره کرد و افزود: مشکل بعدی نصب دوربین هایی است که در محله گذاشتند، محله ما یک حالت بن بست دارد، بارها این را تکرار کردیم، آقا! یک شخصی از مسافرت می آید، مال این محله است ساعت ۳ بعدازظهر می‌رسد، این فرد چگونه باید وارد کوچه و خانه خود شود! دو تا دوربین سر هر چهارراه گذاشته‌اید، خواهش کردیم، نامه‌نگاری کردیم، ولی کسی ترتیب اثر نداد! محله ما محله ضعیفی است و این هم شده مزیت بر علت، همین دوربین‌ها! کسبه محله نمی‌تواند کاسبی کنند! شما دورتا دور بگردید، در هر مغازه‌ای که بروید ببرسید، می گوید ده سال پیش این کسبه ماشین می‌آورد! ولی الان ایشان نمی‌تواند با ماشین بیاید، پس چه کاری انجام دهد! باید بیاید روی پلاکش را بپوشاند، الان که قانون گذاشتند که حبس دارد و این جور مسائل.

شورایاری یعنی هیچ!

وی سپس به بی توجهی به شورایاران اشاره کرد و افزود: اگر به شورایارها اعتماد دارند، بیایند از گفته‌های این‌ها استفاده کنند، برای پیشبرد اهداف محله. من، واقعا این را از ته دل می‌گویم، گفته‌های ما هیچ تاثیری ندارد جز در یکسری مسائل و کارهایی جزیی. می خواهم بگویم که اصلا شورایاری یعنی هیچ چیزی! من هر قدر فکر می کنم که ما خروجی داشتیم که مثبت باشد، نداشتیم. این عضو شورایاری محله «اسدی» در بخش پایانی سخنان خود به معضل ایجاد پیاده راه در خیابان ۱۷ شهریور اشاره کرد و افزود: در مورد طرح ۱۷ شهریور، زمانی که می خواستند شروع کنند، ما به مهندس آن گفتیم، بیایید از کسبه محله، آن موقع من شورایار نبودم! از معتمدان محله سوال کنید و بعد این طرح را اجرا کنید. گفتند: شما بفرمایید، ما می دانستیم این طرح طرح خوبی نیست! می خواهم کلی بگوییم اگر طرحی در یک محله‌ای حالا بحث محله ما نیست، این محله شهید اشرافی! بیایند از شورایاری بپرسند و از آن‌ها نظر بخواهند، واقعا الان شورایارهای ما کار شناس محله خود هستند، همه آن‌ها نسبت به محله خود اشراف دارند. بنده در این محله به دنیا آمدم و قدم به قدم آن را بلد هستم، کاری اگر بخواهند انجام دهند، با این تدبیری که انجام می دهند، اشتباه است. این روند اگر امکان پذیر باشد طرح‌هایی که می خواهند اجرا کنند، قبل از آن بیایند از شورایارهای محله استفاده کنند، بعد بیایند راجع به آن صحبت کنند. نه اینکه طرح را انجام دهند و بگویند آره آقا ما طرح را انجام دادیم! الان در خیابان ایرانمهر کار خوبی نکردند، این راه را بستند، کسی که می‌خواهد بیاید باید یک دور قمری بزند سر نارمک بیاید و برود و وحید به را نیز بستند. این موارد موجب ایجاد مشکلات می‌شود. می گویند بنزین کم مصرف کنید، الودگی است. خب این موارد باعث الودگی بیشتر می‌شود! شما ببینید یک ماشینی که می‌تواند با طی کردن ۵۰۰ متر بیاید به خانه خود برسد، باید بیاید کجا دور بزند! حداقل باید دو، سه کیلومتر دور بزند تا به خانه خود برسد! بنابراین بیایند و راجع به این موارد هم تجدیدنظر کنند. اگر ممکن است یک بریدگی سر خیابان منتظری بگذارند تا حداقل این محله از این وضعیت خارج شود. این محله اصلا آسایش داشته باشند واقعا آسایش ندارد، واقعا برای مردم این محله سخت است.

منطقه امام حسین(ع) از بن بست خارج شود

حسن محسنی عضو شورایاری محله «اسدی» به عنوان شرکت کننده بعدی به طرح نقطه نظرات خود پرداخت. وی در ابتدا به نقش این محله در شکل گیری انقلاب اشاره کرد و افزود: منطقه ۱۳ تهران، در واقع میدان امام حسین(ع) طلایه‌دار انقلاب اسلامی بود. در حال حاضر ۲۲ منطقه تهران به مراتب وضعیتشان از این منطقه بهتر است. در صورتی که این منطقه که طلایه‌دار انقلاب بوده، باید برای تمام مناطق ۲۲ گانه تهران الگو باشد؛ ولی برعکس اینجا اقدام شده است.

وی افزود: در این محله بازار شهرستانی و بازار مرتجایی مستقر است، از طرفی تمام فرزانگان و بزرگان کشور دنبال کارآفرینی هستند، این بازار خودش زمینه کارآفرینی برای اقشار مختلف جامعه دارد! هم چیز در این بازار با نازل ترین قیمت ارائه می‌شود. این بازار کارآفرینی که می‌توانند از آن حداکثر بهره‌برداری را کنند، متاسفانه الان به یک بازار و منطقه بسته تبدیل شده است که هم کسبه برای تردد شان و هم اهالی و ساکنان با مشکلات بسیاری مواجه هستند و هم سایر اقشار تهران که می‌خواهند بیایند در این منطقه خریداری کنند. ما یکی از خواسته‌هایمان این است که منطقه امام حسین از حالت بسته بودن، هر چه زودتر خارج شود. نمایسازی این بازار شهرستانی که وعده و قول‌هایی در مورد آن زیاد بوده، اعتبارات آن هم پیش‌بینی شده است، همچنان بلاتکلیف باقی مانده که انشاءالله در آینده تکمیل و اقدام شود.

این شورایار سپس به نقش شورایاران در محله اشاره کرد و گفت: اهالی و اقشار مختلف مردم در انتخابات شرکت می کنند و اعضای شورایاری را انتخاب می کنند، شورایاران از چهره‌های شناخته شده محله‌ها هستند، از ریش سفیدها و از معتمدان محله‌ها هستند، باید نقطه نظراتشان مورد توجه شهرداری قرار بگیرد، ولی متاسفانه آنچنان که باید و شاید شهرداری‌ها از نقطه‌نظرات شورایاری‌ها استفاده نمی کنند! مشکل معتادها، موادفروش‌ها و قاچاقچیان هم که سایر عزیزان مطرح کردند، دیگر من مورد خاصی ندارم.

یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

محله‌ای با انبوهی از مشکلات و کمبودها

محمدحسن کاهه دبیر شورایاری محله «اسدی» به عنوان سخنران بعدی این نشست، به طرح دیدگاه های خود پرداخت. وی اینگونه آغاز کرد: محله شهید اسدی یکی از محله‌ها و پیشگامان انقلاب که آن‌طوری که باید و شاید از این محله اعاده دین نشده است! در ارتباط با کارهایی که باید انجام می‌شد. در طول این مدت ۱۲ سال، که از ابتدای شورایاری در خدمت اهالی برای آن‌ها ارسال شود، تا این حد با ما همکاری دارند. مسئول اداره تعزیرات حکومتی حاج آقای محمدی و حاج آقای مدیهی هم ما همکاری خوبی دارند در برنامه‌های کسبه محله‌ها!

این عضو هیئت رئیسه شورایاری منطقه ۱۳ ضمن اشاره به جلسات متعدد با مدیران شهرداری در خصوص بافت فرسوده محله گفت: الان مشکلات بافت فرسوده‌مان سرلوحه کار ما هست، با توجه به اینکه آقای ذاکری محبت کردند و آقای هاشمی تشکری را آوردند در بازدید سطح محله‌مان و خود آقای فتح‌الهی مدیرکل محترم نوسازی شهر تهران دو بار آمده است در این محله و قول داد که ۲ میلیارد تومان به نوسازی محله کمک کند و این کمک هم به منطقه تزریق کرده است!

وی در ادامه گفت: الان با کمک عزیزان شهرداری منطقه‌مان داریم پاسگاه مرکزی را در سطح محله دایر می کنیم. تا آنجایی که من اطلاع دارم ملک آن هم خریداری شده است

> در میدانی که نام آن امام حسین(ع) هست، واقعا باعث شرم است که زنان ولگردی در آن رفت و آمد کنند و این میدان را به لجن بکشند. یک زمانی آقای قالیباف فرمودند که در شأن این میدان نیست که این برنامه‌ها باشد. ولی الان ما می‌بینیم که با بستن خیابان و بستن این خیابان‌ها شده! اینجا پاگاه زنان ولگرد شده محل ورود قاچاقچیان! مواد بفروشند به معتادها!!

محترم این محله هستم اعاده دین نشده، با تمام شهردارهای این منطقه که آمدند و رفتند جلسه‌های زیادی داشتیم و تمام این گفتنی‌ها را هم به این عزیزان گفتیم، همکاری خوبی با ما داشتند، با شهردارهای منطقه ما و نواحی‌مان. ولی نمی‌دانم به علت اعتبار و بودجه‌ای که در توان آن‌ها نبوده، کارایی اینجا کم شده است. وگرنه شما مناطق دیگر را ببینید! فضای سبز دارند، پارکینگ دارند، پارک دارند، پاتوق محله دارند، سالن بحران دارند و سالن چند منظوره ورزشی هم دارند. ما یک متر فضای سبز برای هر یک از شهروندان این محله نداریم! ۱۲ سال است که من همه جا گفتم! متاسفانه نمی‌دانم چرا مناطق دیگر انقدر اعتبار و بودجه می‌دهند که سرانه بودجه آن‌ها اضافه می آید، ولی به منطقه ۱۳ که یک منطقه محروم است و باید اعاده دین می‌شد در ارتباط با انقلاب، انقلاب از این محله سرچشمه گرفته است. می گویند ما اعتبار و بودجه نداریم! ما فقط توانسته‌ایم توسط شهرداری نهرهای آب را درست کنیم، آسفالت‌های خیابان‌هایمان را لکه‌گیری کنیم، فقط همین! ما آمدیم که اینجا برای مردم کار کنیم. یک شورایار خوب کسی است که اعاده دین کند به شهروندان خود؛ یعنی برای شهروندانش اگر آمده شورایار شده است شبانه‌روز کنار مردم باشد.

همکاری یادگار تیروی هوایی

وی افزود: از لحاظ امنیت و بافت‌های فرسوده، همان‌طور که عزیزان شورایاری گفتند، در سطح محله مشکلات زیاد داریم! تنها همکاری که در سطح محله‌مان داریم، مربوط به بیمارستان بوعلی است که هم موقع نامه بنویسیم و مردم مشکلی داشته باشند، پولی به ما کمک می کنند. فرمانده پادگان و رئیس بیمارستان دی واقع در پادگان نیروی هوایی، متعاقب جلسه‌ای که داشتیم به ما قول همکاری دادند و همه گونه همکاری را در ارتباط با این درمانگاه به ما داده‌اند! فرمانده پادگان همچنین تاکید کرده است که اگر در دستور دادند در پروژه میدان امام حسین(ع) چهار تا پارکینگ در نظر گرفته شود، ما یک عدد پارکینگ خودرویی داشتیم در خیابان دماوند، که آن پارکینگ هم تخریب شد و گودبرداری شد برای پروژه عطر سیب، که این پروژه هم در آنجا انجام نشد! از مسئولان محترم تقاضا دارم که یک پارکینگ یا یک پایانه در خیابان دماوند در نظر گرفته شود که بار ترافیکی سطح محله ما و خیابان دماوند را کمتر کند! الان مشکل ترافیکی ناشی از توقف اتوبوس ها داریم در خیابان اقبال و دماوند! ترافیک دیگری که داریم در ابتدای خیابان منتظری که سواری‌ها آنجا مزاحمت و بار ترافیکی ایجاد کردند! خواهشی که از مسئولان دارم این است که یک دستوری بدهند که به جای این پروژه عطر سیب پایانه‌ای ایجاد شود یا ابتدای خیابان اقبال، پارکینگ موذن را بخرند، بغل این پارکینگ هم یک پارکینگ است که متعلق به اداره اوقاف است، آن را بخرند و پارکینگ بسازند. یا اینکه در خود بازارچه شهرستانی، یک فضای هزار متری داریم که مربوط به اداره اوقاف است، در گذشته پارکینگ راهنمایی و رانندگی بود برای موتورهایی که می گرفتند! الان حدود ۲۵ سال است که آنجا بسته شده و هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌شود! سه، چهار مرتبه شکایت‌های اهالی و اطراف آنجا را داشتیم که می گویند چه کار کنیم این زباله‌هایی که از این طرف و آن طرف می‌ریزند در آنجا. به همراه شهردار محترم ناحیه‌مان آمدیم آنجا را پاکسازی و نظافت کردیم و چند کامیون آشغال از آنجا خارج کردیم.

وی ادامه داد: فضای سبز هم همان‌طور که ابتدا گفتیم، به هیچ نوعی نداریم! پاتوق محله نداریم! بوستان کوچک نداریم! چه کاری انجام دهند، این سالمندان ما که دیگر بعد از سی سال خدمت، بازنشسته شده‌اند؟ در حال حاضر مکان تفریحی و استراحت آن‌ها کجا باید باشد! یک جایی اینها نمی‌خواهند استفادکنند!

ما در محله بافت فرسوده داریم. از بساز و بفروش‌های سطح محله خودمان تقاضا می‌کنیم که شما بیایید اینجا را به‌طور مشارکتی ساخت و ساز کنید که از این وضعیت دربیاید! یکی فردی که ۱۰، ۱۵ دستگاه خانه دارد، خانه خودش در سطح محله من نیست، چرا باید بیاید با پولی که دارد این خانه‌های کوچک و ریزدانه را بخرد؟ بعد بیاید چه کار کند، ریز دانه‌ها را اتاق اتاق کند و اجاره دهد. سپس همه‌یک معضلی درست کند!

کارگرهای فصلی

دبیر شورایاری محله «اسدی» سپس اینگونه ادامه داد: ما کارگرهای فصلی در سطح محله خود داریم! یعنی کارگرهایی که خانواده‌های آن‌ها در شهرستان‌ها هستند، توان دادن کرایه را ندارد، توان تقبل هزینه را ندارند، از شهرستان‌هایشان می آیند اینجا ۳، ۴، ۵، ۶ ماه کار می کنند، بعد برمی گردند به سرپناه خودشان و شهرستان‌های خودشان! کارگر فصلی اینجا زیاد داریم، همین کارگر فصلی یک خوابگاهی می خواهند که استراحت کنند! پس بیاییم یک خوابگاه خوب برای این‌ها تهیه کنیم تا استفاده کنند!

وی سپس افزود: آمدند ایستگاه مترو گذاشتند. ایستگاه مترو هم متاسفانه پل هوایی ندارد! یعنی وقتی شهروند از آنجا می‌خواهد عبور کند به آن طرف خیابان باید از تهران نو عبور کند، با این ترافیک سنگین و رفت‌وآمد زیاد! آقای هاشمی تشکری در زمان مسئولیت خودشان دستور دادند که اینجا یک پل زده شود سر خیابان ایرانمهر. ولی متاسفانه سر خیابان وحیدیه را بستند، الان شهروندان باید بروند سر پل تهران‌نو، دور بزنند بیایند بروند به سمت غرب شهر! یا بیایند بروند داخل بزرگراه امام علی(ع) دور بزنند بیایند بروند به غربتهران!

سالن بحران نداریم!

محمدحسن کاهه دبیر شورایاری محله «اسدی» سپس به دیگر کمبودهای محله اشاره کرد و افزود: ما سالن بحران نداریم! یعنی ناحیه‌ای که سه تا محله دارد یک سالن بحران ندارد! ۱۲ سال است داریم می گوییم به مسئولان ستاد بحران! اگر یک اتفاقی در سطح محله ما بیفتد، برای شهروندانمان چه کاری می‌توانیم انجام دهیم! چند بار هم گفتیم ولی متاسفانه هیچ اتفاقی نیفتاده! در مورد امکانات ورزشی هم هیچ مکانی را نداریم! یک زمین چمن مصنوعی غیراستاندارد که خود جناب عالی هم بازدید کردید، مشاهده کردید که واقعا ما را در محله درگیر کرده‌است!

با اهالی محله و شهروندان درگیر کرده است! یک استخر در پارک خیام داریم که آن را هم به پیمانکار داده‌اند! به پیمانکار هم توسط شهردار منطقه کارت داده می‌شود، توسط معاونت فرهنگی. قبلا کارت به ما می‌دادند و می‌بردیم آنجا ولی کارت‌ها را تحویل نمی‌گرفتند و می‌گفتند این کارت‌ها در این سانس پر است! از کارت نمی‌توان استفاده کرد! ولی همان جا جلوی چشم شهروند بلیت می‌فروختند و می‌گفتند برو داخل! این هم از استخری که متعلق به کل ناحیه است، دست پیمانکار است! پارک هم که خدمتتان عرض کنم باز خودتان دیدید هیچ پارکی و بوستان نداریم!

> محله ما یک محله محرومی است که هیچ گونه امکاناتی ندارد. از لحاظ مکان ورزشی هیچ گونه جایی اینجا ندارد! یعنی شما سراسر اینجا را بچرخید یک زمین چمن است که آن هم حاج آقا کاهه پیگیری کردند و زمین چمن زدند. یک زمین چمن خیلی کوچک است که فکر نمی کنم تعداد زیادی بتوانند در آن بازی کنند. نهایت چهار نفر به چهار نفر!

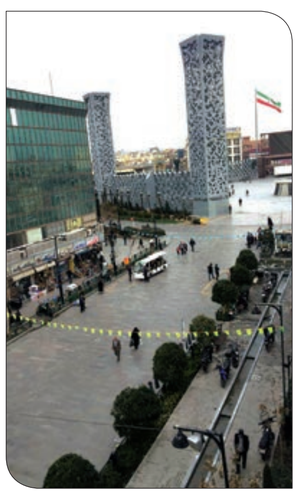

> محله «اسدی» یک محله فقیری است هم از لحاظ فرهنگی، هم از لحاظ جسمی و هم مالی. ما برای نیازسنجی‌هایی محله یکسری فرمی آماده کردیم، مشکلات و معضلات و چیزهایی که احتیاج دارند، همه آن‌ها را می‌دهیم برای ما می‌نویسند. ما بر اساس آن برنامه‌هایمان را اجرا می‌کنیم

پدیده
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

قدردانی از شهردار تهران به‌خاطر ایجاد سراهای محله

در این محله بازار شهرستانی و بازار مرتجایی مستقر است. از طرفی تمام فرزانگان و بزرگان کشور دنیال کار آفرینی هستند. این بازار خودش زمینه کار آفرینی برای اقشار مختلف جامعه دارد! همه چیز در این بازار یا نازل‌ترین قیمت ارائه می‌شود. این بازار کار آفرینی که می‌توانند از آن حداکثر بهره‌برداری را کنند. متاسفانه الان به یک بازار و منطقه بسته تبدیل شده است که هم کسبه برای تردد شان و هم اهالی و ساکنان با مشکلات بسیاری مواجه هستند و هم سایر اقشار تهران که می‌خواهند بیایند در این منطقه خریداری کنند

حسین کاهه مدیر محله شهید «اسدی» به‌عنوان آخرین سخنران این نشست به طرح نقطه نظرات خود پرداخت. وی اینگونه آغاز کرد: باید واقعا تشکر کنم از شهردار تهران، به این علت که از زمان حضور ایشان بود که سرای محله‌ها شکل گرفت و تشکیل شد، همچنین حضور و حمایت ایشان بود که الان ما اینجا هستیم و یکسری خدمات را داریم به مردم ارائه می‌دهیم. این واقعا جای تقدیر و تشکر دارد، همان‌طور که مستحضر هستید، رویکرد شهرداری تهران فرهنگی اجتماعی هست، این روند مستلزم این بود که مدیریت محله، هیئت امنا و شورایاری پای کار بیاید و به کمک شهرداری به عنوان بازوان اجرایی شهرداری بیایند عمل کنند. تصمیم این بود که مردم در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کرده و سهمی داشته باشند!

وی ادامه داد: در بحث مشارکت شهروندان، من می‌توانم به این نکته بسنده کنم که میزان بالا بردن مشارکت مردم یکی از علل مهم آن جلب اعتماد است. ما در درجه اول ابتدا باید اعتماد شهروندان را جلب کنیم، یعنی ما بیاییم بگوییم که مجموعه سرای محله‌ها، یک ساختمانی است که صاحب آن شهرداری است ولی توسط هیئت امنا و خود شهروندان اداره می‌شود! این مورد را اگر ما بتوانیم جا بیندازیم، می‌بینیم که بالاخره مردم هم کمک می‌کنند و همت لازم را در تمام زمینه‌ها بحث نیکوکارها و کمک به نیازمندها انجام می‌دهند.

این مدیر محله در ادامه به اهم فعالیت های سرای محله اشاره کرد و افزود: در بحث آسیب‌های اجتماعی، محله ما یکی از محله‌های حاصلخیز است که دلیل آن مهاجرت و خانه‌های مجردی که در بافت فرسوده وجود دارد، می باشد. ما یکسری کلاس‌های آموزشی گذاشتیم، با گروه‌های مختلف، با خانواده‌یشان در بحث ترک اعتیاد که این عزیزان را شناسایی می کنیم و معرفی می‌شوند یا آگاهی خودشان معرفی می‌شوند و فعالیت داریم. در بحث اشتغال و کارآفرینی که یکی از مشکلات و درخواست‌های عموم شهروندان هست، این مسئله را هم با مشارکت خود اعضای هیئت مدیره و هیئت امنا و حمایت شهرداری منطقه‌مان آمده‌ایم یکسری واحدهای کوچک تولیدی با مشارکت مردم راه‌اندازی کردیم، تقریبا ۵، ۶ تا واحد تولیدی در اینجا داریم که اکثرا هم خانواده‌های بی‌بضاعت و بدسرپرست و بی‌سرپرست اینجا مشغول به کار هستند. در حوزه بحث بهداشت و درمان هم این محله به علت آنکه اکثر اقشر کارگر نشین و بی‌بضاعت هستند، ما خودمان دست به کار شدیم. با کمک شورایاری و هیئت امنا آمدیم، با مراکز فرهنگی و ورزشی که در سطح محله ما هست، صحبت کردیم. از جمله مجموعه ورزشی البرز است که ما چون پول نداریم، می‌مانیم. مدیریت این مجموعه همکاری خیلی خوبی را با ما داشته‌اند و ۵۰ درصد و ۴۰ درصد تخفیف استخر را در اختیار ما قرار داده است تا در اختیار این عزیزان قرار دهیم و در بحث درمان هم با بیمارستان بوعلی الان چند سالی است که داریم همکاری می کنیم و افرادی را شورایاری و خود سرای محله معرفی می کند برای بحث درمان که کمک خیلی لازم و خوبی انجام می‌دهند. درمانگاه ۹ دی را هم داریم که متعلق به نیروی هوایی هست، در بحث مشارکت ما یک کاری را که انجام دادیم، یک خبرنامه‌ای را به‌صورت فصلی داریم تهیه می کنیم و به تیراژ دوهزار نسخه در سطح محله توضیح می کنیم که شماره دوم آن هم ان شاءالله در چند روز آینده منتشر می‌شود. این خبرنامه یک خوبی که دارد تمام خدمات در این خبرنامه چاپ می‌شود، شورایاری و هیئت امنا معرفی می‌شوند، افراد و کسبه هم مشارکت می کنند. در بحث مشارکت نگاه و دیدمان مساجد هست، یعنی رویکرد ما در بحث آموزشی و برگزاری مراسم و جشن‌ها مسجد محوری است که اکثریت جشن‌های مذهبی و کلاس‌های آموزشی‌مان در مساجد محله برگزار می‌شود، کما اینکه الان به علت نوسازی مسجد باب المراد کلاس‌های آموزشی قرآن و نهج‌البلاغه و کلاس‌های دینی خواهران در سرای محله برگزار می‌شود. در بحث مشارکت با نخبگان تقریبا جلسه‌هایی هفتگی را اعضای شورایاری و هیئت امنا و خود مدیر محله با مساجد و بسیج داریم، در حال رسیدگی هست، یک مجموعه ورزشی هم که از طرف شهرداری در اختیارمان قرار گرفته است، آن را هم با تمام اختیارات واگذار کردیم به یکی از مساجدمان که با بسیج محله‌مان یکسری خدمات رایگان را به اعضای محله به ویژه نوجوانان و جوانانمان می‌دهند. یک پایگاه بسیج هم ما اینجا راه‌اندازی کردیم که در منطقه‌مان تنها محله‌ای هستیم که پایگاه بسیج راه‌اندازی کردیم، پایگاه بسیج خواهران، از کارهای مهم و خدمات مهمی که ما داریم، الان چون یکی از مشکلات محله ما نداشتن بیمه است؛ یعنی اکثر مردم بیمه نیستند و مشکلات درمانی دارند، با صحبت و رایزنی که انجام شده با بسیج، افرادی که البته دفترچه بیمه خدمات درمانی و چه دفترچه‌های سلامت دارند، تحت پوشش بیمه تکمیلی و درمان قرار می گیرند که جای خوشحالی دارد که جدیدا این کار انجام شد. یکی دیگر از کارهایی که ما داشتیم، حضور شبکه ۵ بود در سرای محله‌مان، که در برنامه محله ما در روزهای جمعه که پخش شد، از سرای محله و خدمات آن و باشهروندان مصاحبه شد.

وی در پایان به معضل ترافیک خیابانی که در آن سرای محله قرار دارد، اشاره کرد و افزود: فقط تنها مشکلی که ما اینجا داریم، چون سرای محله‌مان در خیابان منتظری واقع شده است، این معضل خودرها و بنگاه‌های خرید و فروش خودرو است که برای تردد شهروندان مشکل ایجاد کرده است. اکثر شهروندان مراجعه می کنند به سرای محله و می گویند یکی از عللی که ما نمی‌توانیم کودک و فرزندمان را تنها بفرستیم به این سرا بیایند، وجود این افرادی هستند که جلوی این بنگاه‌ها و مغازه‌ها می‌نشینند. آنقدر در مقابل هر مغازه‌ای، خب پارکینگ ندارند و چون ماشین‌های آن‌ها بیرون هست، خودشان هم چهار نفر پنج نفر می آیند بیرون می‌ایستند، کمی حس ناامنی به وجود آورده است این مسئله ان شاءالله این مشکل هم به کمک شهرداری واداره مربوط حل شود.

تعدادی از ورشکستگی سکته کردند و مردند!

ابوالقاسم محسنی عضو شورایاری محله «اسدی» به عنوان شرکت کننده بعدی به طرح نقطه نظرات خود پرداخت. وی سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: در میدانی که نام آن امام حسین(ع) هست، واقعا باعث شرم است که زنان ولگردی در آن رفت و آمد کنند و این میدان را به لجن بکشند. یک زمانی آقای قالیباف فرمودند که در شأن این میدان نیست که این برنامه‌ها باشد، ولی الان ما می‌بینیم که با بستن خیابان و بستن این خیابان‌ها شده اینجا پایگاه زنان ولگرد! شده محل ورود قاچاقچیان! مواد بفروشند که معتادها. وی ادامه داد: من انتقادم سر این دوربین‌ها بر این است که اهالی این محله چگونه باید خروج و ورود داشته باشند؟! اگر کسی مرضی پیدا کرد، مثل بیماری قلبی، احتیاج داشت که برود بیمارستان آیا باید برود؟ این دوربین‌ها عکس او را بگیرند و بلافاصله او را جریمه کنند که می‌خواهد یک مریض را از خانه‌اش به بیمارستان برساند! یا از مسافرت یا از بهشت زهرا می آید چگونه وارد محله خود شود! باید بماند تا طرح تمام شود و ماشین خود را بگذارد بیرون! یا اینکه یک راه‌حلی برای آن پیدا شود! حالا من به کسب و کار کسبه کاری ندارم! اهالی محله چی؟

چرا انقدر ما را در تنگنا قرار داده‌اند!

این مسئول انجمن اسلامی و فرمانده پایگاه بسیج اصناف میدان امام حسین (ع) در ادامه به طرح پیاده راه سازی خیابان ۱۷ شهریور اشاره کرد و افزود: با این طرحی که در محله ما به وجود آوردند، دست و بال کسبه را بستند، طرح پیاده‌روی را که به وجود آوردند و خدا می‌دانند تعدادی از ورشکستگی سکته کردند و مردند! حالا این موارد به جای خود! الان هم که آمدند باز کردند، شما حساب کنید و تشریف ببرید کوچه‌های ۱۷ شهریور را درست و حسابی بسته‌اند! شده تقریبا غربی و شرقی! یک میدانی که ما در همه میدان‌ها بود، از هر نقطه تهران برای خرید می آمدند اینجا! الان یک بنده خدایی که بخواهد با چرخ دستی میوه خریداری کند و ببرد، با معضل و مشکل مواجه است! همه این‌ها معضل است و از همه این موارد بدتر نداشتن پارکینگ است! ما در این محله محض رضای خدا حتی پارکبان هم نداریم! چه برسد به پارکینگ! چرا نباید برای یک چنین میدان و بازاری و مجتمعی که درون اینجا قرار گرفته از بیمارستان گرفته تا موارد دیگر که دور هم جمع است، نباید یک پارکینگ باشد! نباید به فکر این محله باشند! فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین الان شده میدان امام حسین(ع)! به هیچ عنوان نه حرف ما را می‌خرند و نه صدای ما به گوش کسی می‌رسد! حالا ما فریاد بزنیم، فایده و نتیجه‌ای ندارد! حالا بلکه از طریق این هفته‌نامه و شما بزرگواران این صدا و فریاد ما به گوش مسئولان برسد! بیایند یک فکری به حال ما کنند! چرا انقدر ما را در تنگنا قرار داده‌اند! چرا انقدر فشار گذاشتند بر ما! چرا انقدر دست و بال ما را بستند! هیچ! هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم، چه باید کرد! ماشین‌های ما که حبس است هیچ جایی که نمی‌توانیم برویم و بیاییم! خود ما اگر مریضی داشته باشیم که به هیچ عنوان نمی‌توانیم به جایی برسانیم! همیشه هم که با تاکسی با این نرخ‌های بالا که نمی‌شود. حالا آمد و پول هیچی! خواستیم یک بیماری را به مقصد برسانیم، تا من بروم تاکسی فراهم کنم، بیمار من مرده است! از همه مهم‌تر ترافیک این خیابان‌ها! با این ترافیک می‌خواهند چه کاری کنند! یعنی هر شهروندی که می‌خواهد از اینجا عبور کند، باید دو ساعت در ترافیک بماند! هم هوای ما را آلوده کرده این ترافیک و هم واقعا دست و بال ما را بسته است! نمی‌دانیم چه کاری انجام دهیم.

محله‌ای فقیر

زهرا آذینه مسئول خانه سلامت محله «اسدی» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به موضوعات مرتبط به حوزه سلامت در سطح محله اشاره کرد و افزود: ابتدا لازم است تا یک تعریفی از سلامت داشته باشم. سلامت نداشتن بیماری نیست، بلکه یک فرد باید رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی داشته باشد. ما سعی کردیم که فعالیت‌های خانه سلامت را بر اساس این چهار بعد انجام دهیم. یعنی بعد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی. در این زمینه هم سعی کردیم از NGO ها و قابلیت‌های محلی‌مان استفاده کنیم، از پزشکانی که در محله شهید اسدی ساکن هستند، کمک گرفتیم که خدا را شکر، با ما همکاری داشتند. خانه سلامت ده کانون دارد، یعنی ما برای ده تا قشر مختلف برنامه اجرا می کنیم. ما یکسری برنامه‌هایی اجرا می کنیم برای افرادی که در محله هستند، برای سلامتی جسمشان، البته ما خیلی امکانات در دست نداریم! یک چند تا کارشناس هستند که با ما همکاری می کنند. وی در ادامه به مشکلات محله در این حوزه اشاره کرد و گفت: محله «اسدی» یک محله فقیری است هم از لحاظ فرهنگی، هم از لحاظ جسمی و هم مالی. ما برای نیاز سنجی‌هایی محله یکسری فرمی آماده کردیم، مشکلات و معضلات و چیزهایی که احتیاج دارند، همه آن‌ها را می‌دهیم برای ما می‌نویسند، ما بر اساس آن برنامه‌هایمان را اجرا می کنیم. از لحاظ مالی خیلی فقر مالی دارند مردم این محله، کسی هم که فقر مالی داشته باشد، به‌طور قطع در زمینه‌های دیگر هم فقیر است؛ چه از لحاظ جسمی، چه از لحاظ روانی و اجتماعی، در نتیجه نمی‌تواند ارتباط برقرار کند مسلما ما در زمینه فقر مالی نمی‌توانیم کاری انجام دهیم، ولی در زمینه روانی سعی کردیم کلاس‌های مختلفی را برای قشرهای مختلف بگذاریم، یعنی از جوان تا سن ۶۰ سال اینجا کلاس داریم! برای قشر جوانمان سعی کردیم روی کنترل استرس و کارآفرینی با همکاری خانه‌های دیگر انجام دهیم. قابلیت‌های آن‌ها را در محله استفاده می کنند، برای مثال آن‌هایی که در یک زمینه‌ای مهارت دارند، سعی می کنند، در همین سرای محله یک اشتغالی ایجاد کنند تا یک حدودی.

در محله‌مان خیلی سالمند داریم!

مسئول خانه سلامت محله «اسدی» در بخش دیگری از سخنان خود به نتایج حاصل از طرح سنجش عدالت در محله اشاره کرد و افزود: در این طرح معلوم شد که یک مشکل محله ما اضافه وزن زنان است، یکی دیگر از مشکلات محله درصد بالای سالمندی است، یعنی ما در محله‌مان خیلی سالمند داریم! ما کار آنچنانی نمی‌توانیم برای سالمندان انجام دهیم، ولی یک برنامه‌هایی برای آن گذاشتیم. مثلا در آوردیم که در میان آن‌ها خیلی بی‌سواد زیاد است. برای آن‌ها کلاس‌های نهضت سوادآموزی گذاشتیم. حالا در زمینه‌های مختلف دیگر و برای اضافه وزن زنان برنامه گذاشتیم.

پدیده
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

سایه سنگین پادگان «دوشان تپه» بر محله «قاسم آباد»

وعده قالیباف پنج ساله شد

دومین محله ای که در منطقه ۱۳ در لیست مناطق محروم جای گرفته است، محله قاسم آباد یا شهید اشراقی می باشد. محله ساکت و آرامی است. تغییر و تحولات پر شتاب شهر تهران، هنوز در این محله رخ نداده است. عمده ترین دلیل این مساله، بن بست بودن آن است.

این محله به نوعی در سایه پادگان بزرگ و وسیع دوشان تپه قرار گرفته است. شورایاران این محله می گویند پنج سال پیش شهردار تهران قول داد که ظرف یک سال و نیم این پادگان به بیرون شهر می رود، اما خبری از این اتفاق تا امروز نشده است. در کنار این معضل کالبدی و اثراتی که بر توسعه این محله داشته، معضلات دیگری نیز در این محله یافت می شود. ساکنان محله می گویند هنوز اینها کارکردهای مثبتی دارد و مردم مال همدیگر را می پرسند و میزان مشارکت، اجتماعی بالاست.

کوچه کوچه این محله را گشتیم و با مردمش حرف زدیم. جلسه مفصلی نیز با شورایارانش داشتیم. آنچه در زیر می آید ماحصل این تلاش است که تقدیم می شود:

پدیده شهر
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

ایرنا

متاسفانه رسانه‌ها در حال حاضر مهارت کافی برای تولید اطلاعات ندارند شفاف‌سازی اطلاعات نیاز به کسب مهارت دارد

رسانه‌ها خطوط قرمز ایدز را جابه‌جا کنند

در همایش «ایدز و رسانه» درباره‌ی نقش موثر رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی و پیشگیری از ابتلا به این بیماری، اینگونه عنوان شد که «رسانه‌ها به جای پرداختن به میزان آمار و ارقام، در زمینه ایدز، باید راه‌های خلاقانه‌ای پیدا کنند که خطوط قرمز را جابه‌جا کنند.»

این همایش که برغم موضوع حیاتی آن با استقبال چندانی مواجه نشد و در ابتدا با سخنان محمد خدادی –مدیر عامل ایرنا– همراه بود که در اظهاراتی با اعتقاد بر این که دغدغه امروز ایدز را پیشگیری و اطلاع‌رسانی محقق می‌شود، مطرح کرد: مردم نسبت به میزان دانسته‌هایشان است که به مساله‌ای توجه نشان می‌دهند، در زمینه ایدز نیز باید به سمت تنوع در پردازش اطلاعات برویم تا بتوانیم به میزان کافی این دغدغه را در مخاطبان ایجاد کنیم. ما در این زمینه ضعف‌های بسیاری داریم و این آسیب باید مورد مطالعه قرار بگیرد تا بی به علت این ضعف برده شود.

مدیر عامل ایرنا در ادامه با تاکید بر این که باید به سمت تولید اطلاعات رفت و تولید اطلاعات است که منجر به تولید اثر می‌شود، یاد آور شد. باید بپذیریم که به هر حال اطلاع‌رسانی بخشی از پیشگیری و درمان است که متاسفانه ما مهارت تولید اطلاعات نداریم و در زمینه مسائلی همچون ایدز باید در شیوه اطلاع‌رسانی متعادل باشیم.

او با اشاره به این که ما رسانه‌ها تلاش می‌کنیم تا در زمینه مسائلی همچون ایدز، دست یاری باشیم برای اطلاع‌رسانی که بخشی از پیشگیری و درمان است، گفت: متاسفانه رسانه‌ها در حال حاضر مهارت کافی برای تولید اطلاعات ندارند شفاف‌سازی اطلاعات نیاز به کسب مهارت دارد. متاسفانه در کشور ما وقتی حرف از ایدز می‌شود فرد مبتلا دچار ترس می‌شود و تمام پیرامون آن نیز با وحشت به فرد مبتلا شده نگاه می‌کند. از طرفی نیز انقدر به ماجرای ایدز بی تفاوت می‌شویم هیچ دغدغه و نگرانی نداریم به دلیل اینکه رسانه‌ها نمی‌دانند در این حوزه چگونه اطلاع رسانی کنند. خدادی در پایان یاد آور شد: شیوه اطلاع‌رسانی به گونه‌ای است که تولید اطلاعات یا به شدت منجر به نگرانی فزاینده می‌شود یا از طرفی انقدر محدود است که باعث می‌شود افراد نسبت به مسائلی همچون ایدز بی تفاوت یا خونسرد باشند.

امید زمانی به عنوان کارشناس مسائل ایدز نیز در سخنانی با اعتقاد بر اینکه رسانه‌ها باید از کار سطحی و روزمره خارج شوند و کار کرد اصلی خود را جدی بگیرند، مطرح کرد: در رسانه‌ها باید در زمینه مسائلی همچون ایدز، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را مورد انتقاد قرار دهند. رسانه‌ها باید جدی‌تر رسالت خود را در نظر بگیرند.

این کارشناس مسائل ایدز درباره‌ی کارکرد رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی نسبت به این بیماری، مطرح کرد: رسانه‌ها باید راه‌های خلاقانه‌ای پیدا کنند که خطوط قرمز را جابه‌جا کنند. رسانه‌ها به جای پرداختن به میزان آمار و ارقام، در زمینه چرایی این پدیده‌ها کار کنند که تا به حال کوتاهی کرده‌اند.

وی سپس مطرح کرد: رسانه‌ها یک کارکرد اجتماعی دارند که باید از آنها بتوانیم در راستای اهدافی چون ارتقاء سلامت استفاده کنیم. متاسفانه برخی از نهادهای اجتماعی از جمله آموزش و پرورش هم کارکردهای اجتماعی خود را از دست داده‌اند. رسانه‌ها نیز که به عنوان رکن چهارم دموکراسی مطرح می‌شوند و باید صدای افراد جامعه باشند و واقعیت‌ها را منعکس کنند؛ از کارکردشان جدا و بیشتر به انتقال دهنده اطلاعات تبدیل شده‌اند و همین باعث شده است که کارکرد مناسبی در حوزه HIV نداشته باشند. امید زمانی با بیان اینکه مخاطب‌شناسی در رسانه‌های ما مغفول مانده است، مطرح کرد: متاسفانه همه مخاطبان در سطوح مختلف دانش، تحصیلات و گروه‌های اجتماعی را با یک محصول رسانه‌ای اطلاع‌رسانی کردن اشتباه است. در این زمینه متاسفانه اگر تلویزیون را نگاه کنیم، بی به این می‌بریم که همه کانال‌ها مشابه هم هستند؛ از نوع برنامه‌ها گرفته تا شیوه اجرای مجریان و مجموعه‌های نمایشی که پخش می‌شوند همگی با یک چوب رانده می‌شوند، در حالی که پیامی که از رسانه ملی پخش می‌شود باید بر مبنای مخاطب‌شناسی و مهندسی پیام باشد.

او در همین زمینه مطرح کرد: اینکه یک رسانه به شکل ساده‌انگاری بخواهد یک پیام را مدام تکرار کند، بدون اینکه آن را برای مخاطب اندازه‌گیری کند، خود این برای مخاطبت ایجاد مقاومت می‌کند. متاسفانه این تکرار پیام‌ها همچنان بدون هیچ تغییر و تحولی در رسانه‌های ما به ویژه تلویزیون و رادیو ادامه دارد و این ضعف‌ها همگی منجر به این شده است که ایدز در کشور ما گسترش یابد. بر روی تغییر رفتارهای فردی تاکیدات زیادی می‌شود و این فرایند اصولا یک فرایند کلیشه‌سازی شده است؛ در حالی که واقعیت اجتماعی گاهی اوقات اینگونه نیست. گاهی اوقات لازم است شرایط اجتماعی تغییر کند، چرا که این شرایط اجتماعی است که فرد را به سمت کارهای پرخطر می‌برد؛ بنابراین وقتی این شرایط نادیده گرفته می‌شود و فقط پیام داده می‌شود که مخاطب تغییر کند هیچ نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد و نادیده گرفتن ساختارها منجر به این می‌شود که افراد به سمت رفتارهای پرخطر سوق پیدا کنند.

میوه هایی که طعم مواد مخدر می دهند!

غلامرضا رنگک: دبیر شورایاری محله «قاسم آباد» به عنوان نخستین سخنران این نشست به طرح مشکلات محله پرداخت و گفت: مسئولان محله را رها کردند! مسئولان، خطاب من فقط به شهرداری نیست! خطاب من به نیروی انتظامی، قضایی هست! به ارگان‌های دولتی مانند برق و آب، بهزیستی و بهداشت است، واقعیت این است که یک زمانی، ما زنگ می‌زدیم به پلیس (اهورا: که مثلا این ماشین به صورت مستمر را نیمها هست، سریع می‌آمد و ماشین را برمی‌داشت می‌بردا ولی الان به پلیس (اهورا: می‌گوییم بیایید این ماشین را بردارید، می‌گوید آن (اکما: بیرم! یعنی پی کجا ببرم آن‌ها را! یک زمانی، شهرداری وامدی داشت به نام سد معبر، به محض اینکه ما تماس می‌گرفتیم، می‌آمدند بساط‌ها طرف را جمع می‌کردند، تراو! و ونس آن را برمی‌داشتند، ولی الان به آن‌ها می‌گوییم، شما وضعیت را دیدید، تاره چیزی که، شما دیدید ۷۰، ۸۰ درصد آن غوب شده! یعنی صبح تا ساعت ۴،۵ بعد از ظهر پلیس انضباطی شهری که هست، آن‌ها می‌آیند جلوی آن را می‌گیرند، اما دیدید که سر ۶۷ متری سبزی فروشی بساط پهن کرده، این آقا هم (ابرق محله) استفاده می‌کند، هم معضل ترافیک ایجاد کرده است. در کریدوری بساط خود را پهن می‌کند که خطرناک‌ترین نقطه محله ما است! یعنی ما دو تا بلوار داریم که البته بلوار دومی متصلق به ما نیست، متصلق به (اهد گیلانی است! ولی غب یک مقداری هم ما استفاده می‌کنیم، عملا ما یک بلوار داریم به نام بلوار (اشراقی که کل سرسبد محله (اشراقی است! هم از نظر خیابان‌بندی و هم (زیباده‌رو و از نظر فضای سبز! ولی این‌ها آمدند با این وضعیتی که درست کردند، به قول مردم محله کردند بازار (کوچه، شهرستانی! غب ما بارها اطلاع می‌دهیم که این مواد هست، می‌بینم که، هیچ برخوردی با این مسائل نمی‌کنند!

آن طرف خیابان، آن طرف منطقه دارو خانه، دبیر ستان. دبستان و تمام امکانات هست، آن طرف خیابان آزمایشگاه رادیو گرافی و راد یولوز یست است! همه امکانات آن طرف خیابان است. این کار اعتبار ما را در محله از بین برده است! من که دیگر نمی‌توانم جایی بروم به خاطر اینکه این کار را کردند. به ما گفتند طومار محله را آقایان شب می‌خوابند و صبح بلند می‌شوند. صبح تصمیم می‌گیرند این راه بسته شود

چه کسی می خواهد پاسخگو باشد

وی ادامه داد: چند روز پیش با یکی از اعضای شورای شهر تهران در دفتر شهردار جلسه داشتیم. من همین مسئله را مطرح کردم، گفتند که به خاطر وضعیت اقتصادی ما کاری با آن‌ها نداریم! من آنجا با ایشان خیلی بد برخورد کردم و گفتم این چه حرفیه که شما دارید می‌زنید! الان یک کاسب در محله، یک میوه‌فروشی است خب یک میوه فروش دو تا کارگر دارد، پسرش و خود او هم هستند، دارند در آن مغازه کار می‌کنند، مالیات و عوارض هم می‌دهند، آن تشکیلات را دارند. چهار خانوار دارند از آن مغازه تامین می‌شوند (به اصلاح نان می‌برند). بعد شما به تابلو آن ایراد می‌گیرید، به پسماند آن ایراد می‌گیرید، برای آن قبض صادر می‌کنید و به عوارض سالانه آن ایراد می‌گیرید و از او عوارض می‌خواهید! پنجاه متر بالاتر یک وانت آورده و گذاشته، وانت او را اگر ببینید موتور هم ندارد! فکر کنم این وانت را رفته سید اسماعیل خریده، یک تا دو میلیون تومان! آورده گذاشته اینجا و آن را مغازه کرده و دارد جنس می‌فروشد! آنقدر هم ارزان نمی‌فروشد! در ضمن، معضل ما معضل فروش میوه نیست! ما داریم می‌گوییم که آن‌ها عامل فساد هستند، ما داریم می‌گوییم که آن‌ها به جز میوه‌فروشی، دارند مواد فروشی می‌کنند، پخش کننده مواد هستند! ساعت ۳، ۴ نصف شب چه کسی می‌آید از این‌ها میوه بخرد که این‌ها تا صبح باز هستند! اگر به خود شما چقدر بدهند یک شب تا صبح در خیابان می‌ایستید؟! چقدر می‌گیرید که یک شب تا صبح در خیابان بایستید در هوای سرد! سوال من این است که به شما آقایان می‌گویم که شما چقدر می‌گیرید که از ساعت ۷ شب تا ۷ صبح در این خیابان بایستید! هیچ کاری هم نکنید، نه چیزی بفروشید و نه... فقط کنار این ماشین بایستید! اصلا شما این کار را انجام می‌دهید! پس باید یک چیزی پشت پرده باشد که این آمد آمد و این کار را انجام می‌دهد! خب این را چه کسی می‌خواهد پاسخگو باشد، وقتی این موضوع را رها کنند، بزرگ می‌شود! الان می‌خواهند آن را جمع کنند، نمی‌شود! دیگر کسی زیر بار نمی‌رود، قدرت پیدا کرده‌اند! این آقایان بنا به گفته خودشان یک آقای می‌آید می‌کنند، هفته‌ای پنجاه تومان از این‌ها می‌گیرد که اگر ماموران آمدند و با آن‌ها درگیر شدند و این‌ها چاقو به ماموران زدند، آن آقا بیاید به آن‌ها را بدهد! چه جوابی دارید بدهید، این چه وضعیتی است که درست کرده‌اید! چرا نظام‌بندی را از دست داده‌اید! چرا قانون‌بندی از دست دادند، چرا این کار را کردند و احجاف دارد می‌شود به کاسب‌های محله ما! حالا بحث‌های دیگر که پشت این قضیه هست و آنقدر مشکلات دارد که حد و حساب ندارد! ببینید آن‌ها برق را دارند می‌دزدند.

که هر دقیقه سر هر کنتوری و سر هر تابلو برقی آدم بگذارند که «این کارها وظیفه ارگانی مانند شهرداری است! تاسیسات شهرداری برعهده شهرداری است. مسلمان شهرداری برعهده شهرداری است! عدم فرهنگ شهری به خاطر شهرداری است! انضباط شهرداری برعهده شهرداری است! الان یک واحد درست کردند، مشاهده کردید که به نام انضباط شهری! فلان!

انضباط شهرداری برعهده شهرداری است!

دبیر شورایاری محله «قاسم آباد» سپس افزود: از کنتور برق را باز کردند اتصال زد، بعد زد ویدیو، ترانس و یخچال تمام این‌ها سوخت! کار به کتک کاری کشید! کار آن‌ها به کلانتری رسید! آن آقا آن یکی را زد، رفتند کلانتری ما رفتیم کلانتری! خب چه اتفاقی افتاد؟ آن آقا گفت من خسارت شما را می‌دهم. ببینید چه قدرتی دارند و چه رانت‌خواری دارند می‌کنند؟ چه سیستماتیکی دارند برای خود درست می‌کنند، خیلی راحت گفت خسارت شما را می‌دهم و خسارت هم داد! خسارت را گرفت و آمد بیرون! پول یخچال، تلفن بی‌سیم (! دایپوتر آن سوخته بود)، تلویزیون و همه را داد! به اداره برق می‌گوییم، کد به ما داده است ۱۲۱، بعد می‌آییم ۱۱۰ زنگ می‌زنیم، می‌آیند تابلو را قطع می‌کنند و می‌بندند ولی آن‌ها پشت سرشان باز می‌کنند و دوباره استفاده می‌کنند! خب آن‌ها مامور ندارند خب چه کسی باید احساس مسئولیت کند! من به‌عنوان شورایار چکار می‌توانم کنم؟! مردم می‌گویند آقا این دستفروش‌ها دارند این کار را انجام می‌دهند، ما که قدرت اجرایی نداریم و ما نمی‌توانیم که با آن‌ها درگیر شویم! ما باید به چه کسی انتقال دهیم. ما نماینده مردم، رابط و نماینده مردم بین شهرداری و مردم هستیم. باید به شهرداری انتقال دهیم، آقا شهرداری چه کاری انجام می‌دهد! مسئول این واحد به‌طور رسمی در مقابل همه دوستان شورایاری هستند. گفتند که فرزند مرا تهدید کرده‌اند! گفتند اگر شما به ما گیر دهید، ما هم می‌آییم شما را چاقو می‌زنیم و فرزند شما را می‌دزدیم! خب چرا نباید کسی باشد و چرا نباید یک ارگان باشد که آنقدر قدرت داشته باشد که از پرسنل خود دفاع و استفاده کند! شما الان می‌روید در دادگاه می‌گویند اگر به مامور دولت توهین کنید، ۶ ماه زندانی دارد، ولی خب او را تهدید می‌کنند، چرا کسی نیست که کاری انجام دهد. بعدش مردم از دید شورایاری این قضیه را می‌بینند! این مورد بزرگ‌ترین معضلی است که ما الان در محله داریم. البته این مورد تنها مختص به محله ما نیست! سوال من این است از مسئولان که من این مورد را هم از آقای قالیباف سوال کردم و هم از آقای طلایی سوال کردم و هم از دکتر عبداللهی سوال کردم. گفتم چرا رها کردید آن‌ها را! جوابی ندارند که بگویند چرا رها کردند! اینکه آقای پیرهادی برمی‌گردد می‌گوید چون معضل اقتصادی دارند، ما کاری نداریم! اگر اینطور نیست، خب باشد! اگر کاری نداریم، خب همه بیایند بساط بچینند! اگر این طور است خب شما مغازه‌دارها را رها کنید! الان یک نامه آوردند و دادند به تمام مغازه‌دارها که باید کولرهای خود را از بیرون بردارید! خب یک مغازه‌داری که سرقفلی مغازه از در ۸،۷ متر است، بالای و کنار آن ملک فرد دیگری است! این مغازه‌دار، کولر خود را کجا بگذارد! بعد تو این را دارید به آن فشار می‌آورید، شخصی که در اختیار شما است، ولی آن‌هایی که دارند این کارها را می‌کنند، هیچ کاری به کار آن‌ها ندارید! این موارد نه اسلامی است و از انصاف به دور است!

سرای برتر در تهران شدیم

مرتضی نجفی مدیر محله شهید اشراقی آخرین سخنران این نشست صمیمی و دوستانه بود. وی در ابتدا به میزان مشارکت اجتماعی در محله اشاره کرد و افزود: میزان مشارکت هیئت امنا و شورایاری بالا است. جلسه‌ها به صورت منظم برگزار می‌شوند، آن چیزی که به هیئت امنا برمی‌گردد و مصوب می‌شود، در سطح محله مدارا اجرا می‌شود. مردم محله شهید اشراقی بسیار خوب هستند، من همیشه می‌گویم محله شهید اشراقی مانند یک روستا است که همه مردم یکدیگر را می‌شناسند. میزان مشارکت مردم بالاست در این محله، افرادی که حتی تحصیل کرده هستند، افراد بیسوادی هم که داریم هر ساله یک فراخوان داده می‌شود، اسم می‌نویسند و سواد آموزی داریم. شاید یک نفر هم بی‌سواد نداشته باشیم. اطلاع‌رسانی در سطح محله به خوبی انجام می‌شود و این مردم را ترغیب می‌کند. میزان سوادی که الحمدالله دارند خیلی بالا است.

فقر شدید فضای سبز

وی سپس به کمبودهای محله اشاره کرد و افزود: ما فقر شدید فضای سبز داریم. الان در محله‌های فقیر یک زمین چمن مصنوعی برای آن‌ها زدند، کنار اتوبان امام علی(ع) چمن مصنوعی زدند ولی محله ما هنوز آن چمن را ندیده است! مصنوعی آن را، نه خود چمن را! یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی که در محله ما هست، بحث امنیت است که در ده روز گذشته یک تیراندازی هم داشتیم. طرف مواد فروش بود و دیروز یک درگیری یک ساعت و نیمه داشتیم. کلانتری یک ساعت طول کشید بیاید. بزرگ‌ترین کلانتری در تهران کلانتری ۱۲۸ است. متاسفانه چندین سال است که قرار است دو تا کلانتری اینجا راه‌اندازی شود، ولی ما بدون کلانتری هستیم. خود این پادگان یک سد بزرگ است برای رسیدن عزیزان برای جرم و اتفاقی که می‌افتد! ما قبلا یک کیوسک هم داشتیم که آن را هم برداشتن بردند. این مدیر محله در ادامه گفت: در رابطه با اینکه خیلی از امکانات محله آن طرف خیابان است، یک آقایی یک روز آمد، در مورد سد معبر داد و بیداد کرد، خب آقا مگر اینجا شهرداری ندارد! آقای قالیباف! تازه ما همیشه می‌گوییم آقای قالیباف شهردار خوبی است. گفتم آقا آن طرف خیابان ۷، آن طرف دیگر ۸ و این طرف ۱۳ است. گفت به من چه! رتباطی دارد که آن طرف ۷ یا ۸، گفت! اینجا شهرداری تهران دارد یا ندارد! چرا سد معبر را جمع نمی‌کند! وی در پایان گفت: در یک سال اخیر سرای محله ما خیلی توانمندتر شده است نسبت به سال‌های ابتدایی که من آمدم. الان شروع کردیم به کسب مقام و افراد نخبه شناسایی شده اند، ما پارسال سه تا مقام آوردیم در تهران، سرای برتر شناخته شدیم. برنامه‌های مختلف بسیار خوبی به کمک دوستان در حال اجراست.

پدیده شهر
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

پادگان معضل اصلی محله

عباس پلوی: عضو شورایاری محله «قاسم آباد» به عنوان سخنران بعدی این نشست هم اندیشی به ایراد سخن پرداخت، وی در ابتدا ابعاد جغرافیایی محله را بازگو کرد و افزود: من ابتدا می‌خواهم محله اشراقی را به لحاظ جغرافیایی تصریف کنم که، شما بدانید اصلا این محله! از کجا ما هست! این محله! از غرب به خیابان جهت منتهی می‌شود. شمال، آن خیابان دماوند است. جنوب آن پادگان دوشان تپه است و شرق آن خیابان سی متری نیروی هوایی است. جمعیت محله ما بالغ بر ۱۱۰۰۰ نفر است. طبق آمارهای سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران تقریبا ۹۹ درصد آمار جمعیتمان افراد با سواد هستند. درصد لیسانسه‌های محله ما تقریبا ۷۰ درصد است. جمعیت زن محله ما ۵۱ درصد و جمعیت مردان ۴۹ درصد است. محله ما حدود ۷ درصد دیگر را دارد.

شهرداری نمی خواهد!

وی سپس به طرح مشکلات محله پرداخت و گفت:: معضل اصلی که محله ما را خیلی تهدید می‌کند، پادگان دوشان تپه است! این پادگان از نظر فضای سبز محیط خوبی است برای مردم محله، اما نمی‌توانیم به هیچ عنوان از این محله سبز استفاده‌ای ببریم. این پادگان محله را به حالت بن‌بست در آورده است. یعنی ما برای اینکه از محله و کوچه‌ها عبور و مرور کنیم، مجبور هستیم، برای برون رفت از آن وارد خیابان تهران نو شویم. هیچ راه گذر دیگری نداریم! در سال‌های گذشته قول‌های زیادی دادند، جناب آقای قالیباف در مسجد پنج تن خیابان نیروی هوایی قول دادند که ظرف یکسال و نیم آینده، البته این موضوع برمی‌گردد به پنج سال گذشته، که این پادگان به‌طور کلی از آنجا جمع می‌شود، البته نمی‌شود! نمی‌خواهند که انجام دهند. قاعدتا چون این مورد برای ما مسجل شده که شهرداری اگر بخواهد کاری انجام دهد، مطمئن باشید یک شبه آن را انجام خواهد داد. یعنی همان‌طور که پل صدر و اتوبان امام علی(ع) را زد، همان‌طوری که پادگان قلعه مرغی را در طول ۹۳ روز تبدیل به پارک ولایت کرد، اگر بخواهد اینجا را هم انجام دهد، انجام خواهد داد! پس نمی‌خواهد.

شهرداری سر کار می گذارد!

این شورایار قدیمی که با لحنی انتقادی حرف می‌زد، اینگونه ادامه داد: مردم چیزهایی را از ما می‌خواهند که به اصطلاح به عنوان سنگ‌سنگی مردم برای آن‌ها اعلام کنیم. صحبتی را که خانم باسابیان فرمودند، واقعا یک پل عابر پیاده در این شهر به این بزرگی آنچنان هزینه بالای مالی برای شهرداری ندارد! فقط شهرداری می‌خواهد همه را سر کار بگذارد! بنده، ایشان و دیگر شورایارها را! اقای ذاکری در مسجد ابی‌ابن ابوطالب قول داد جلوی هزار نفر قدیمی، خود او با من آمد و باهم رفتیم پیش شهردار منطقه ۸. جلسه گذاشتند قرار شد ظرف ۲۰ روز بعد، پل عابر پیاده در تهران‌نو نصب شود، ولی انجام ندادند. در خیابان هر کسی ما را می‌بیند از ما توقع دارد، به ما رأی دادند همان صحبتی که شما ابتدا فرمودید! این مردم آمدند به تک تک ما رأی دادند که ما در دل آن‌ها را درمان کنیم، ولی ما نمی‌توانیم هیچ کاری انجام دهیم! واقعا در این دو، سه سال اخیر شهرداری و شورا هیچ قدمی برای هیچ کسی برنداشته است! هیچ قدمی! شهرداری باز تا دو، سه سال پیش که آقای مداحی بود حداقل دو، سه تا تکان خورد یا شورا چهار تا کار انجام می‌داد! ولی در حال حاضر، در یک سال اخیر نه شورای شهر و نه شهرداری کوچک‌ترین حرکتی برای مردم برنمی‌دارند، حالا کارهای دیگری که می‌کنند، آخر سر می‌شود مثل حقوق‌های نجومی که هر شب می‌رود روی تلویزیون، آقا حقوق نجومی و آقا شورا و... خوبه که ما کنار بایستیم که حداقل ترکش این‌ها مرا نگیرد!

مردم پای کار هستند

وی در ادامه به کارکردهای مثبت محله خود اشاره کرد و افزود: واقعا هم محله‌ای‌های خیلی خوبی داریم. همه آن‌ها پایه کار هستند. می‌توانید سوال کنید، ما شب‌های جشن در همین محله جشن‌های دو هزار، سه هزار نفر برگزار کردیم. پس یعنی برای مردم کار کردیم که مردم به ما اعتماد داشتند و وقتی آن‌ها را دعوت می‌کنیم، برای هر کاری به سرعت حاضر می‌شوند. ولی متاسفانه در این یکساله اخیر واقعا شهرداری و شورا معضل بسیار زیادی به وجود آورده‌اند. نمی‌توانم بیایم مردم را بدهم. سه سال پیش با ساختی تمام با همت آقای مهندس مداحی، ذاکری و شهردار وقت، آمدیم با پادگان به تعامل رسیدیم، خانه‌هایی که به انتهای کوچه و منشعب به پادگان هستند که همه آن‌ها واقعا افراد فقیر و ضعیفی هستند، این‌ها، تا دو سه سال پیش به هیچ عنوان نمی‌توانستند جواز خانه خود را بگیرند و بسازند، می‌گفتند چون دیوار پادگان هستید دو طبقه، با کمک مهندس مداحی و ذاکری خلاصه با توافقی که با نیروی هوایی انجام شد، یک قرارداد بسته شد و گفتند که شما می‌توانید جواز طبقه بسازید، چند نفرشان، آن‌ها که کمی وضع مالی‌شان خوب بود جواز گرفتند و ساختند، الان دوباره جلوی آن‌ها را بستند، خیلی راحت! ایسن پادگان خودش معضل است! چوب و و سرباز داخل آن معضل است. سرباز آن می‌آید در خانه مردم، همه چیز آن معضل شده و هیچ کسی هم به ما دم نمی‌رسد! هیچ کاری هم نمی‌توانیم انجام دهیم. می‌گویند آقا پادگان است! آقا پادگان باشد، مگر این همه پادگان از اینجا رفت بیرون اتفاقی افتاد! همه آن‌ها رفتند خارج از شهر، این پادگان هم از اینجا برود بیرون! یک فضای سبز باز شود، الان با دوستان بلند شوید بیاده برویم در خیابان، آقا یک جایی را پیدا نمی‌کنید برای نشستن! ۲۱ هزار نفر است، آقا این‌ها هم آدم هستند! اسم آن‌ها شهروند است. یک جایی را پیدا کنید دو دقیقه بنشینند، ببینید جا دارید؟ در همین محله ۲ متر فضای سبز ندارد! آخه ادم برود دردش را به چه کسی بگوید! تمام این مشکلات در محله هست و مردم می‌خواهند که شما این مشکلات را حل کنید! ما هم باید از طریق شورا و شهردار و از طریق ارگان‌های نظارتی و اجرایی این کار را انجام دهیم تا کار را به سرانجام برسانیم. ولی متاسفانه تا الان هنوز نتوانسته‌ایم.

یک معضل دیگری هم که خیلی توی چشم می‌آید. دخترهای گدای پاکستانی هستند که مرتب سر چهارراه می‌ایستند و گدایی می‌کنند. مردم هم دلشان برای آن‌ها می‌سوزد، به آن‌ها کمک می‌کنند. باید از طریق صداوسیما یک فرهنگ‌سازی شود که به آن‌ها کمک نشود. خب وقتی مردم کمک کنند آن‌ها نیز هستند. مشکل بعدی کارتن خواب‌هایی هستند که در اطراف همین بلوار هستند. بلوار اشراقی یعنی صبح یا شب کمی دیر تر بروید تمام پیاده‌روها، می‌بینید چهار پنج نفر هستند که اکثرا از کسانی هستند که مدام داخل سطل آشغال‌ها را می‌گردند تا بتوانند چیزی پیدا کنند و بفروشند

ایران وهن

ما در جهان امروز گرفتار بلاهای متعددی هستیم که بیماری‌های نو پدید و نو ظهور را نیز باید به جمع دشمنان این سرزمین اضافه کنیم

دانش آموزان سفیران مبارزه با آسیب‌های اجتماعی در جامعه

همایش تخصصی مهار بیماری اچ‌ای وی با حضور مدیر کل آموز اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران، مدیر کل آموزش و پرورش شهرستان های استان تهران، مدیر کل سلامت شهرداری تهران، نماینده وزارت آموزش و پرورش، مسئولین دانشگاه علوم پزشکی تهران و جمع کثیری از فرهنگیان شهرستان های استان تهران در فرهنگسرای بهمن برگزار شد. سیاوش شهریور مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران با اشاره به اینکه امروز ایران عزیز بر عظمت تراز هر دوره‌ای در تاریخ می درخشد، اظهار داشت: این سرزمین بزرگ و پهناور متاسفانه بر روی کمربندی از آسیب های طبیعی چون سیل و زلزله قرار گرفته است و همیشه در طول تاریخ مورد تهاجم دشمنان و قدرت های فاسد قرار گرفته است اما این خاک آمیخته به عشق با خون جاودان شهیدانش همیشه پابرجاست.

وی افزود: ما در جهان امروز گرفتار بلاهای متعددی هستیم که بیماری های نو پدید و نو ظهور را نیز باید به جمع دشمنان این سرزمین اضافه کنیم و در مقابله و مبارزه با آنها بسیار جدی و دقیق عمل کنیم.

شهریور با تاکید بر تلاش گسترده دولت تدبیر و امید در طول سه سال گذشته در جهت کاهش معضلات و آسیب های اجتماعی متوجه شهروندان، تصریح کرد: امروز گرد هم جمع شده‌ایم تا با همکاری شما دلاوران عرصه تعلیم و تربیت، کشور را از تهدید آسیب های اجتماعی برهانیم و با تمامی توان و داشته‌هایمان در میدان حاضر شویم.

این مقام مسئول در ادامه با اشاره به اینکه امسال در کمیته ایدز استان تهران به همت همگی دستگاههای دولتی و غیر دولتی کاری بسیار بزرگ و کم سابقه صورت گرفته است، تاکید کرد: اما نقش اصلی این جریان بر عهده شما فرهنگیان و معلمین عزیزی است که تعلیم دهنده دانش آموزان و جوانان این سرزمین هستید چرا که پیشگیری که اولین گام در این مبارزه بزرگ است در دستان شماست. مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران با تاکید بر اینکه ما باید هزینه درمان را در حوزه پیشگیری هزینه کنیم، یاد آور شد: شما معلمین عزیز و شهروندان موثر در اجتماع هستید که باید مجاهدانه و عاشقانه این آگاهی ها را به دانش آموزان خود بدهید و اشاعه دهنده آن در سطح خانواده‌ها باشید.

شهریور با اشاره به اینکه امروز باید تعارف را کنار گذاشت و از بیان تلخی این آسیب ها نهراسید، تصریح کرد: باید به سختی تلاش کرد، چرا که همگی این تلاش ها در جهت آسیب شناسی و پیشگیری است و خطر آن خیلی کمتر از هزینه هایی است که بعدا گریبان گیر جامعه و خانواده می شود.

فعالیت بیش از یک هزار سمن حامی کودک در کشور

دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک وزارت دادگستری گفت: بیش از یک هزار سازمان مردم نهاد (سمن) در کشور به شکل تخصصی در زمینه حمایت از کودکان و استیفای حقوق آنان فعالیت می کنند.

مظفر الوندی افزود: اکنون بر اساس آمارهای رسمی حدود ۳۰ درصد جمعیت کشور زیر ۱۸ سال هستند.

وی با بیان اینکه بسیاری از قوانین کشور در حوزه کودکان، تابع کنوانسیون حقوق کودک است، ادامه داد: در سال های گذشته با تشکیل مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، یک نهاد رسمی متشکل از ۱۶ وزارتخانه و سازمان دولتی و با عضویت نمایندگان سمن ها، قوه قضاییه، ناظران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، کانون وکلا، حوزه علمیه شکل گرفت که به تمامی ابعاد حقوق کودک در کشور توجه دارد.

الوندی با بیان اینکه یکی از وظایف مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، ارائه گزارش های ادواری پنج ساله از ارتقای حقوق کودکان در کشور به سازمان ملل متحد است، اظهار کرد: تاکنون در این رابطه چهار گزارش از سوی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک به سازمان ملل ارسال شده است.

دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک گفت: به اذعان گزارش های بین المللی و مراجع رصد کننده فعالیت های حوزه کودکان، ایران در زمینه تامین و ارتقای حقوق کودکان و داشتن ایده و مدل در این خصوص در منطقه خاورمیانه جزء کشورهای برتر است.

الوندی افزود: این بدان معنا نیست که در کشور گرفتاری های کمی در حوزه مسائل کودکان داریم، بلکه پیرامون آسیب‌های اجتماعی، اعتیاد، برخی تبعیضات جنسیتی و آموزشی در تعدادی از مناطق کشور، با مشکلاتی مواجه هستیم

پدیدهم
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

وطن ایران

بیش از دوسوم مردم کشور در مناطق شهری سکونت دارند که اغلب آنان افراد طبقه متوسط و ضعیف جامعه هستند

۲۰درصد خانواده‌های ایرانی برابر ۸۰درصد خانواده‌ها هزینه می کنند

در همایش نشانه‌های و پیامدهای فقر در ایران توزیع فقر و آسیب پذیری در مناطق شهری مورد بررسی قرار گرفت و نقاط آسیب پذیر کشور مشخص شد.

احمد بخرایی، عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران در همایش نشانه‌ها و پیامدهای فقر در ایران به بررسی پیامدهای سیاسی و اجتماعی فقر در ایران پرداخت و گفت: فقر از مدیریت کلان جامعه نشأت می گیرد زیرا گسترش فقر، بحران اخلاقی، جنبش محرومان، انزوا، بی ثباتی و در نهایت گسست اجتماعی را در پی دارد.

وی افزود: بیش از دوسوم مردم کشور در مناطق شهری سکونت دارند که اغلب آنان افراد طبقه متوسط و ضعیف جامعه هستند که در بروز تحولات و جنبش های اجتماعی نقش به‌سزایی ایفامی کنند.

بخرایی یادآور شد: خط فقر در کشور از اهمیت بالایی برخوردار است به عنوان مثال در سال ۱۳۶۳ خط فقر به ازای هر یک نفر معادل هزار و ۱۴۷ تومان در نظر گرفته شده است (در صورتی که یک فرد ماهانه ۲۳۰۰ کالری مصرف کند). در سال ۹۷ به ازای هر نفر ۲۱ هزار و ۶۰ تومان و در سال ۸۲ ۳۰۰ هزار و ۲۳۰ تومان برآورد شده است به طوری که در عرض ۱۴ سال میانگین سرانه خوراک افراد ۱۴ برابر شده است.

عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران ادامه داد: استان تهران با داشتن دو میلیون جمعیت حاشیه‌نشین و همچنین استان البرز از وضعیت بحرانی وحساسی برخوردار هستند زیرا یک پنجم جمعیت کشور در این منطقه سکونت دارند.

بخرایی ادامه داد: هر چه دهک های جامعه غنی تر می شود هزینه های بخش غیر خوراکی شامل مسکن، امور فرهنگی، تفریح و اوقات فراغت نیز از تحرک بیشتری برخوردار می شود، اما در دهک های پایین گویا افراد در تله ای گرفتار هستند که مجبور به صرف بخش اعظمی از درآمد ماهانه خود را به خوراک و ما یحتاج ضروری اختصاص دهند.

وی افزود: شکاف، فاصله طبقاتی و فقر به‌داشتی در دهک های پایین نمود بیشتری دارد به طوری که ۲۰ درصد خانواده‌های ایرانی برابر ۸۰ درصد خانواده‌ها هزینه می کنند و دهک دهم (غنی ترین گروه‌های جامعه) برابر ۷ دهک را هزینه می کنند.

عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران افزود: بر اساس آمار سال ۹۴ هزینه یک خانواده شهری ۱۶ میلیون تومان است همچنین دهک‌های نهم و دهم جامعه ماهانه ۲۴ میلیون تومان معادل هزینه های نیمی از جمعیت کشور را خرج می کنند.

وی افزود: هزینه‌ها در استان البرز در سال ۹۳ نسبت به ۳۸،۹۲ درصد افزایش پیدا کرده است همچنین در استان تهران ۱۶ درصد و استان قم ۲۸ درصد رشد هزینه‌ها را شاهد بودیم.

در ادامه این نشست، احدر نسبی، اقتصاددان و مدیر کل دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در همایش نشانه‌ها و پیامدهای فقر در ایران با اشاره به ابعاد توزیع فقر و آسیب پذیری در مناطق شهری در سال ۹۳ اظهار کرد: بر اساس این آمار ۶۰ درصد جمعیت مناطق شهری غیر فقیر و ۱۲ درصد فقیر هستند. همچنین ۲۲ درصد از خانوارها دارای فقر در آمدی هستند.

وی یکی از مهم‌ترین تنگناهای کشور در بحث فقر را موضوع کسب و کار دانست و گفت: ۴۳ درصد جمعیت در مناطق روستایی هیچ آسیب پذیری ندارند اما ۲۳ درصد جمعیت دچار فقر در آمدی هستند. همچنین استان های کردستان و لرستان در مناطق شهری دارای بیشترین فقر به‌داشتی هستند و در مناطق روستایی نیز استان های البرز و هرمزگان دارای بیشترین فقر به‌داشتی هستند. به ترتیب استان های سیستان و بلوچستان، کرمان و سمنان نیز دچار فقر آموزشی هستند.

وی ادامه داد: استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان از نظر مسکن و مناطق مسکونی دچار فقر و آسیب پذیری هستند.

رستمی یادآور شد: وضعیت اشتغال شهری در استان های سیستان، همدان و مرکزی آسیب پذیری بسیاری دارند و بیشترین تعداد زنان سرپرست خانوار به ترتیب در استان های آذربایجان شرقی، یزد و هرمزگان، سکونت دارند.

مدیر کل دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: بر اساس آمارهای صورت گرفته از ۳۳ میلیون خانوار ایرانی ۸۰ درصد خانوارهای سیستان و بلوچستان آسیب پذیر هستند و در این استان شمار افراد دارا مدنداز تحصیل به نسبت سایر استان ها بالاتر است.

شاخص فقر مطلق در ایران کاهش یافته است

در پایان این همایش علاءالدینی، دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران با اشاره به سیاست‌های توسعه صنعتی و فقر در آمدی در کشور اظهار کرد: موضوعات فقر و نابرابری اجتماعی در کشور بسیار مطرح می شود بر همین اساس با بررسی آمار و شاخص های استاندارد جهانی می توان اظهار نظر بهتری در این زمینه کرد. آمار و اطلاعات شهری و فقر ۶۶ کشور جهان در پایگاه عمران ملل متحد به ثبت رسیده است در حالی که اطلاعات و آماری از کشور ما در این سامانه به‌چشم نمی خورد.

راه مردم را بستند!

عدم فرهنگ شهری به خاطر شهرداری است! انضباط شهرداری بر عهده شهرداری است! الان یک واحد درست کردند. مشاهده کردید که به نام انضباط شهری! فلان! خب چه کسی باید احساس مسئولیت کند! من به‌عنوان شورایار چکار می توانم کنم؟!

اعظم پاسایان عضو شورایاری محله «قاسم آباد» شرکت کننده بعدی در این نشست بود که به طرح دیدگاه های خود پرداخت. وی سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: ما، اعضای شورایاری جمع شده‌ایم با رأی مردم و به عنوان معتمدان محله که یک تحولی در محل ایجاد کنیم. مشکلات و آسیب‌ها را حل کنیم. به قول معروف دیدبان های مردم باشیم و رابطی باشیم بین شهرداری و محله، در واقع یک جورایی انتقال دهنده مسائل به شورا و شهرداری باشیم. حالا ما بعضی جاها با شهرداری توافق می کنیم و به قول معروف به‌طور مستقیم وارد مسئله می شویم. ولی متاسفانه انگار ما گویی آمده‌ایم در جلسه شرکت کنیم و برویم. انگار هیچ دردی نیست که درمان شود.

وی افزود: چند روز پیش یک فیلمی از تلویزیون پخش می شد، آقای مدیری از مردی پرسیدند اگر شهردار بودید چه کاری انجام می دادید به عنوان شهردار، با خود گفتم کاش الان این سوال را از من می کردند، من به آقای قالیباف می گفتم مگر در تهران یک شهردار کل بیشتر است! مگر این منطقه و آن منطقه دارد! گرو کشی است! منطقه ۸،۷ می گوید منطقه ما نمی شود و منطقه ۱۳ هم همین طور، برای رفاه مردم که ما کاری نمی کنیم.

در مسجد به من حرف زدند و کسی نمی تواند کاری کند چرا از ما مضاگرفته شد؟! حتی خود شهردار هم آمده بنده بنده قول داد که من پل هوایی می زنم. پل را کجا بزنم؟ بزند ۱۰۰ متر ۱۰۰۰ متر آن طرف تر که به درد در مانگاه نمی خورد! آن طرف خیابان، آن طرف منطقه دارو خانه، دبیرستان و تمام امکانات هست، آن طرف خیابان آزمایشگاه، رادیوگرافی و رادیولوژیست است! همه امکانات آن طرف خیابان است. این کار اعتبار ما را در محله از بین برده است! من که دیگر نمی توانم جایی بروم به خاطر اینکه ایس کار را کردند، به ما گفتند طوماری محله را آقایان شب می خوابند و صبح بلند می شوند، صبح تصمیم می گیرند این راه بسته شود. اتفاقا من خدمت شهردار قبلی رفتم و گفتم، آقای ذاکری به من قول دادند که ما چنین کاری را می کنیم و پل شد که بتوانند یکی از این حمام‌های را استخر کنند که متاسفانه نتوانستند و گفتند آن خیلی گران است و امکان پذیر نیست!

گدایان پاکستانی

وی افزود: یک معضل دیگری هم که خیلی توی چشم می آید، دخترهای گدای پاکستانی هستند که مرتب سر چهارراه می ایستند و گدایی می کنند. مردم هم دلشان برای آن ها می سوزد، به آن ها کمک می کنند. باید از طریق صداوسیما یک فرهنگ سازی شود که به آن ها کمک نشود، خب وقتی مردم کمک کنند آن ها نیز هستند. مشکل بعدی کارتن خواب‌هایی هستند که در اطراف همین بلوار هستند، بلوار اشراقی یعنی صبح یا شب کمی دیر تر بروید تمام پیاده روها، می بینید چهار پنج نفر هستند که اکثرا از کسانی هستند که مدام داخل سطل آشغال ها را می گردند تا بتوانند چیزی پیدا کنند و بفروشند. اکثر آن ها هم معتاد هستند، یعنی من خودم دیدم دیدم که با اینکه هوا هم روشن بود، لب جوب نشسته بود مواد می کشید!

این مدرس قرآن در بخش پایانی سخنان خود به طرح نقاط مثبت محله پرداخت و افزود: حالا از خوبی ها محله من هم بگویم. این محله تقریبا همه سنتی است. تا آنجایی که من می‌دانم، کلاسی که برای ما گذاشته بودند، گفتند یکی از دوازده‌های قدیم شهر تهران قاسم آباد بوده است، به همین علت هنوز هم محله ما به‌صورتی نشده که مانند بالای شهر شود! هنوز هم همسایه‌ها یکدیگر را می‌شناسند و به خانه‌های همدیگر می‌روند. هنوز هم در خیابان ما مردم می‌آیند دم در می‌نشینند و از حال یکدیگر باخبر می‌شوند.

می گویند آقا یادگان است! آقا یادگان باشد. مگر این همه یادگان از اینجا رفت بیرون اتفاقی افتاد! همه آن‌ها رفتند خارج از شهر. این یادگان هم از اینجا برود بیرون! یک فضای سبز باز شود. الان با دوستان بلند شوید پیاده بروم در خیابان، آقا یک جایی را پیدا نمی کنید برای نشستن!

این راه اجرا بسته شده است!

این شورایار نیکوکار در ادامه به مشکلات ناشی از این مساله برای شهروندان اشاره کرد و افزود: الان مادری هست که بچه و پلچری دارد، بچه یتیم است، خدا شاهد است که من پیش مادرش دیگر نمی‌روم. من پول و پلچر او را از شهردار و مردم گرفتم. آقای نجفی کمک کرد و پلچر برقی گرفتند. این فرد بایدهفته‌ای یک تاتو برایمن بچه‌رامی برد در دکتر، رئیس بیمارستان و درمانگاه قدس امضا کرد که این راه اجرا بسته شده است! چطور از ۵۰ سال پیش یکبار تا حالا تمرد است و حالا در خیابان‌ها این همه تصادف می‌شود! این همه آدم می‌میرند. بگویید به خاطر اینکه خیابان اینطوری شده، راه ببندند! راه حل درست کنند، من می‌خواهم بروم پیش خانم مهندس معینی‌پور وقت بگیرم، بگویم این پله برقی را برای چه چیزی گذاشته‌اید! سه نفر نمی‌روند! شما برود و ببینید از صبح تا شب چند نفر از این پله بالا می‌روند! اصلا راه عبور مردم نیست! راه عبور و مرور مردم آن در مانگاه قدس بود.

هر کاری که دوست دارند انجام می دهند!

این معتمد محلی سپس از بی توجهی به شورایاران انتقاد کرد و افزود: من چند جلسه است که نمی‌آیم، بی‌نتیجه است. شورایاری، یک زمانی می‌گفتیم شورایاری، یک زمانی خیلی به حرف‌مان گوش کرده و انجام می‌دادند و شهردار و بقیه به حرف‌مان گوش می‌دادند، الان حرف آدم، اصلا گوش نمی‌کنند! اصلاح کاری که دوست دارند انجام می‌دهند! اسم آن شورایاری است!

اهالی محله از حال همدیگر باخبرند

فاطمه مداح عضو شورایاری محله «قاسم آباد» شرکت کننده بعدی در این نشست بود که به طرح دیدگاه های خود پرداخت. وی به صورت تیتروار مشکلات محله خود را بیان کرد و افزود: ما در خیابان ۸ متری اول یک دبیرستان دخترانه در این محله داشتیم به نام دبیرستان فرزانگان که در شهریور ماه ثبت‌نام دانش آموزان هم انجام شده بود، آمدند دبیرستان را خالی کردند و گفتند می‌خواهیم در آنجا یک مجموعه بسازیم و در آن مسجد هم باشد و این‌ها، متاسفانه تا الان اصلا آنجا خراب نشده است و نزدیک به سه ماه از سال تحصیلی گذشته است. تمام دخترهای این محله سر گردان شدند، یعنی مجبور شدند که یکسری از آن‌ها به منطقه چهار بروند، یکسری رفتند در پسروزی و خیلی برای آن‌ها مشکل به‌وجود آمده است! دومین معضلی محله ما نداشتن مجموعه فرهنگی است. یعنی ما در این منطقه هیچ مورد فرهنگی خاصی برای جوانان نداریم! یعنی تنها چیزی که هست، همین سرای محله است! نداشتن استخر از دیگر کمبود های این محله است. دو حمام فرسوده داریم و یک بار هم از طریق شورایاری صحبت شد که بتوانند یکی از این حمام‌های را استخر کنند که متاسفانه نتوانستند و گفتند آن خیلی گران است و امکان پذیر نیست!

محسن رجب‌زاده عضو شورایاری محله «قاسم آباد» شرکت کننده بعدی در این نشست بود که به طرح دیدگاه های خود پرداخت. وی سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: ما، اعضای شورایاری جمع شده‌ایم با رأی مردم و به عنوان معتمدان محله که یک تحولی در محل ایجاد کنیم. مشکلات و آسیب‌ها را حل کنیم. به قول معروف دیدبان های مردم باشیم و رابطی باشیم بین شهرداری و محله، در واقع یک جورایی انتقال دهنده مسائل به شورا و شهرداری باشیم. حالا ما بعضی جاها با شهرداری توافق می کنیم و به قول معروف به‌طور مستقیم وارد مسئله می‌شویم. ولی متاسفانه انگار ما گویی آمده‌ایم در جلسه شرکت کنیم و برویم. انگار هیچ دردی نیست که درمان شود.

وی افزود: چند روز پیش یک فیلمی از تلویزیون پخش می‌شد، آقای مدیری از مردی پرسیدند اگر شهردار بودید چه کاری انجام می‌دادید به عنوان شهردار، با خود گفتم کاش الان این سوال را از من می‌کردند، من به آقای قالیباف می‌گفتم مگر در تهران یک شهردار کل بیشتر است! مگر این منطقه و آن منطقه دارد! گروکشی است! منطقه ۸،۷ می‌گوید منطقه ما نمی‌شود و منطقه ۱۳ هم همین طور، برای رفاه مردم که ما کاری نمی‌کنیم.

انتقاد از سیاسی شدن مسائل شهری

همینطوری نیامدند که دوستان، بنده کوچک‌ترین هستم، بی‌ادبی می‌کنم، بالاخره یک وجهه‌ای داشتند، یقینا اینکه می‌فرمایند ۱۲ درصد شورایاری بوده‌ام، یقین بدانید که مردم شناخت داشتند، این را خب بالاخره داستان‌های سیاسی‌شان کنار گذاشته و اگر هم قرار است کاری انجام شود که واقعا باید بشود.

وی در پایان گفت: بحث اعتیاد اگر قرار باشد جمع شود چه زمانی باید شروع کنیم؟ چه زمانی!!! اگر قرار باشد که کار فرهنگی کنیم چه زمانی، اگر قرار باشد متکدیان را جمع کنیم چه زمانی!!! امشب؟ فردا شب، صد سال دیگر!!! هر موقعی که انجام شود باز هم دیر است! این معضلات را چه زمانی باید درست کنیم؟! این را دوستان خواهش می‌کنم مورد توجه قرار دهند، هر فرمایشی که دوستان کردند، همه آن‌ها را تایید می‌کنیم.

پدیدهم
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

مرتضی گرد

واقعیت‌های یک منطقه ممنوعه

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی انجمن علمی اقتصاد شهری ایران، روند شهرنشینی در ایران بخصوص کلانشهر تهران در دهه‌های گذشته بسیار سریع بوده است و به‌نسبت توسعه نابسامان نقاط شهری، چالش‌های اساسی پیش روی برنامه‌ریزان در عرصه‌ی منطقه‌ای ایجاد کرده است. از طرف دیگر، رشد سریع شهری کنترل و برنامه‌ریزی صحیح را از برنامه‌ریزان سلب می‌کند. از مهمترین چالش‌های عدم برنامه‌ریزی می‌توان به افزایش سطح و مقیاس در مناطق حاشیه‌ای شهرها، که اصطلاحا مناطق غیر رسمی نامیده می‌شود نام برد.

سکونتگاه های غیر رسمی ویژگی های مشخصی چون عدم تجانس کالبدی، وجود خرده فرهنگ ها، چالش های اقتصادی (نبود یا به اقتصادی)، بزهکاری، کیفیت نازل زندگی و گسست دارد. سکونتگاه غیر رسمی مرتضی گرد در حوزه شهری کلانشهر تهران یکی از این مواردا ست که در نتیجه اشباع جمعیت و گرانی مسکن و اجاره بهاء در حاشیه جنوب غربی منطقه ۱۹ تهران به وجود آمده است.

حاشیه نشینی و سکونت گاههای غیر رسمی در واقع مبین پدیده شهرنشینی مخرب، مهاجرت های بیوسته روستایی شهری، ضعف مدیریتی و سیاسی کشور هاست. سکونتگاه های غیر رسمی جلوه‌ای از فقر در جوامع محسوب می شوند. ویژگی اساسی دیگر سکونتگاههای غیر رسمی، بصورت خودانگیخته، مهاجرت بالا، بدون نظارت قانونی و در مجاور شهرهای بزرگ و بارشد سریع بوجود می آیند. مناطقی که اسکان جمعیت در آن بصورت غیر رسمی و بر خلاف قوانین و مقررات صورت می گیرد بخش مسکن از سایر بخش های دیگر رشد بیشتر و سریعتری دارد و به لحاظ کالبدی گسست و به لحاظ عملکردی به شهر مادر وابستگی نام دارد.

محیط این نقاط کیفیت زیست پایین، خدمات اندک، ضعف زیربناهای شهری و تراکم بالای جمعیتی در آن دیده می شود. عوامل یاد شده در مجموع باعث شده این نقاط سکونتی دارای گسست اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، بزهکاری و ضعف کالبد، همسان باشند.

به طور کلی، اسکان غیر رسمی در ایران پدیده‌ای رو به رشد است و در حقیقت یک نوع شیوه زندگی خاص محسوب می شود که چهره اکثر شهرهای ایران به ویژه شهرهای بزرگ مقیاس کشور دارای نماد ها و نشانه هایی از این پدیده هستند.

بررسی جابه جایی های جمعیت در مناطق کلانشهری کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، طی دهه های اخیر نشان می دهد که بر خلاف کشورهای صنعتی و توسعه یافته، به جای اقشار متوسط، این گروه های کم در آمد هستند که تحرک قابل ملاحظه ای از نظر محل سکونت دارند. این گروه ها شهرهای بزرگ را به دلیل بالا بودن هزینه مسکن و زندگی ترک و به ناگزیر در نقاط تجهیز نشده و ارزان پیرامون شهر سکونت می کنند. به این ترتیب کلانشهر ها از جمله تهران با تمرکز فقر در مناطق پیرامون خود و حاشیه نشینی گسترده گروه های کم در آمد در کنار حومه نشینی محدود اقشار میانی می گردند.

از این رو در وضع موجود مسئله عبارت است از: محرومیت ساکنان این سکونتگاههای گسترده که حامل با مستعد نابهنجاری های اجتماعی – اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی اند و نیاز مبرمی به ارتقای شرایط محیطی دارند و با توجه به گرایش های موجود و نبود نشانه‌ای از تغییر سیاست ها، چشم انداز نگران کننده‌ای از رشد اسکان غیر رسمی و ناپایداری سازی شهرها وجود دارد که اراده ملی و تدابیری مشخص و متفاوت از روال کنونی را می طلبد.

● حاشیه‌نشینی در تهران

بر سرشماری سال ۱۳۳۵ تهران حدود ۷،۹ درصد، در سال ۱۳۴۵ برابر ۱۰،۵ درصد، در سال ۱۳۵۵ برابر ۱۳،۴ درصد و ۱۳۶۵ برابر ۱۲،۲ درصد و در سال ۱۳۷۵ برابر ۱۱،۲ درصد از جمعیت کل کشور را دارا بوده است. کاهش درصد جمعیت تهران در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ نسبت به جمعیت کل کشور، علی رغم مهاجرت عظیم روستائیان را می توان ناشی از کاهش میزان موالید، به‌دلیل افزایش میانگین سن زنان در اولین ازدواج کاهش مرگ و میر کودکان زیر یک سال، آگاهی عمومی در زمینه مسائل جمعیتی، افزایش تعداد روستاهای تبدیل شده در نقاط شهری و محدود کردن تهران به مناطق بیست و یک گانه تهران دانست. درصد رشد سالانه جمعیت تهران طی سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۳۵ برابر ۶ درصد در سال، طی سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۴۵ برابر ۵،۲ درصد در سال، طی سالهای ۱۳۶۵ - ۱۳۵۵ برابر ۲،۹ درصد در سال و طی سالهای ۱۳۷۵ - ۱۳۶۵ ۱/۱ درصد در سال و در سالهای ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ حدود ۰،۱۴ کاهش و در سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ به رشد ۱،۲۷ رسیده است.

کلانشهر تهران به دلیل دارا بودن جاذبه های فرهنگی ،اجتماعی و به خصوص اقتصادی و همچنین مرکز بت سیاسی آن هموار به عنوان یکی از اصلی ترین کانون های مهم جمعیتی کشور محسوب شده است و بسیاری از ساکنین مناطق مختلف کشور را به سمت خود کشانده است. بدیهی است آن دسته از مهاجرین که دارای توان مالی مناسبی بوده در محلات شهری اسکان گزیده اند و افراد با توان مالی ضعیف که توان تهیه مسکن مناسب را در سطح شهر نداشته، اقدام به ساخت سر پناه آن هم به صورت غیر مجاز در اراضی به تصرف در آمده نموده اند. بدین ترتیب سکونتگاه های غیر رسمی در اراضی شهر ظاهر گردیده اند.

شهرک مرتضی گرد در ضلع جنوبی شهر تهران واقع شده است که از شمال به ضلع جنوبی بزرگراه آزادگان، از شرق به شهرک علی آباد قاجار از توابع شهر چهاردانگه، از غرب به شهرک گلبرز یا توبان خلیج فارس و از جنوب به زمین های ارتش و اراضی عباس آباد از توابع پخش آفتاب منتهی می شود.

در این محل در گذشته قلعه ای به نام "مرتضی گرد" بوده که به مرور زمان به مرتضی گرد تبدیل شده است و نام محل نیز از آن گرفته شده است. تاریخ شفاهی بومیان مرتضی گرد نشان می دهد که قبلا سکونتگاه اهالی فقط در داخل قلعه بوده و به مرور زمان و با آمدن اقوام آذری زبان به این محل بتدریج به بیرون قلعه راه یافته و در حواشی آن سکنی گزیده اند. عمده ترین مهاجران از شهرستانهای استان اصفهان و لرستان و خراسان (سبزوار) و اقوام آذری زبان از اردبیل و همدان به این محل هستند. که به مرور طی چند سال اخیر قومیت آذری زبان که از اردبیل و زنجان و تبریز و مشکین شهر می باشند در این محل بیشتر گردیده و از سال ۱۳۸۷ به بعد سیر رشد جمعیت به شدت بیشتر گردیده است. تا گذشته ای نه چندان دور تمام اطراف مرتضی گرد پر از باغات انگور، انجیر، توت، انار و مزارع گندم، جو، ذرت و صیفی و سبز بجات بوده و یک منطقه تقریبا خوش آب و هوایه حساب می آمد. ولی با گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت از سال ۱۳۸۷ به بعد کلیه این باغها و فضاها از بین رفته و جای خود را مثل بسیاری از نقاط تهران به آپارتمان های چند طبقه داده اند. محله مرتضی گرد فاقد در مانگاه عمومی و یا بیمارستان و سالن ورزشی و مرکز خرید پارک و فضای سبز می باشد. خدمات رفاهی و شهری بسیار پایین بوده و اکثر مردم به برق و گاز و علی الخصوص به آب و تلفن دسترسی ندارند.

بررسی شاخص های اسکان غیر رسمی مرتضی گرد ویژگی کلی سکونتگاه های را می توان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی زیر خلاصه کرد:

ویژگی های اجتماعی: از ویژگی های اجتماعی می توان به سطح پایین سواد، مخصوصا در زنان و سهم بالای مهاجرین در کل جمعیت ساکن، دسترسی های نامناسب و حداقل امکانات و تسهیلات شهری مانند آب لوله کشی، برق، شبکه گاز و تلفن، تراکم بالا و رشد زیاد جمعیت اشاره کرد.

ویژگی های حقوقی: اغلب سکونتگاه های غیر رسمی فاقد مالکیت رسمی هستند که خانه خود را ساخته اند هماتور که اشاره شد در مرتضی گرد اکثر مالکین فاقد سند رسمی مالکیت هستند.

ویژگی های کالبدی: بهداشت نامناسب محیط، سیستم آبرسانی نامناسب، ایجاد واحدها بدون رعایت معیارهای فنی، روشنایی نامناسب معابر، فقدان پوشش معابر، کمبود و فقدان فضاهای آموزشی و مراکز بهداشتی، رشد خودانگیخته و بدون برنامه ریزی و اعمال قوانین، چهره فضایی خاص در مرکز یا حاشیه شهر را می توان نام برد.

ویژگی های اقتصادی: از ویژگی های اقتصادی می توان به ورود به بخش غیر رسمی، اتکا به منابع محلی و در آمد خانوار، فعالیت محدود و کم، مهارت های اکتسابی خارج از نظام رسمی اشاره نمود.

از ویژگی اساسی سکونت گاه های غیر رسمی بعد کالبد و بخصوص مسکن است، به دلیل ساختار ها و کارکرد های حاکم بر محلات، اغلب ساختمانهای موجود در این محلات به لحاظ ایمنی، زیبایی شناختی، اجتماعی و شهرسازی ساخته نمی شود و رونق ساخت و ساز بدون نظارت قانونی و بسیار سریع رشد میکند و محلات بدون چهره خاصی پدید می آورد. بنابراین در این محلات شهرنشینی مقدم بر شهر سازی است بدین معنی که ابتدا سکونت صورت میگیرد و سپس تاسیسات و تسهیلات شهری مستقر می شود و اغلب خدمات رفاهی بسیار پایین تر از استانداردهای موجود بوده است.

از مجموع کل واحدهای موجود (۱۲۰۷۳)، از این تعداد ۹۲۶۴ عدد واحد مسکونی و ۲۸۰۹ واحد تجاری تعداد واحدهای مجاز فقط ۱۰۶۴ و ۸۲۱۸ واحد از آنها به صورت غیر مجاز احداث شده اند و تعداد واحدهای خالی از سکنه نیز ۲۳۲۵ است. در تحلیل داده های مربوط به واحدهای ساخته شده به این نتیجه می رسیم براساس ذاتی محله ای غیر رسمی، در حاشیه شهرها، اغلب ساخت و سازها سریع و غیر مجاز می باشند. و در نتیجه در تحلیل ماه مورد فولوزیکی این محلات بی می بر یم که بافت درهم تنیده و متزلزل، فاقد شکل و منظر منسجم و ایجاد تاسیسات نظیر آب وبرق و گاز و را بسیار مشکل است.

● نتیجه گیری

واقعیت آن است که ساکنین سکونتگاه های غیررسمی از جمله مرتضی گرد نمی توانند به تنهایی تغییر و تحول عمده‌ای در رابطه با بهسازی محیط کالبدی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی خود انجام دهند. از طرف دیگر نهادهای قانونی نیز به تنهایی قادر به رفع این مشکلات نیستند. برای ایجاد تغییر و بهبود وضعیت، نیاز به مشارکت تلفیقی به منظور توانمند سازی ضروری است. اما در مسیر ارتقاء و توانمند سازی سکونت گاه های غیر رسمی چالش های بسیاری از جمله چالش های قانونی، مالی و اقتصادی و چالش های مالی و کالبدی وجود دارد که باید تسهیل گردد.

در حال حاضر، مدیران شهری و شهرداری ها با شرایط متغیر و پیچیده‌ای رو به رو هستند که از یک سو با افزایش انتظارت مردم برای داشتن شهری آباد و سالم همراه با وضعیت خدمات شهری مطلوب و از سوی دیگر با ایده شهر شهروند مدار مواجه اند. از همین روی مباحث مربوط به توسعه پایدار شهری با تکیه بر مشارکت مردمی به یک مبحث کاملاً جدی در عرصه مدیریت شهری تبدیل شده است.

این گزارش چکیده‌ای از مقاله علمی با عنوان مروری بر اسکان غیر رسمی و شاخص های آن: چالش‌ها و راهکارها مطالعه مورد‌ی محله مرتضی گرد (تهران) است که در اولین همایش بین المللی اقتصاد شهری ارائه شده است.

مهر

بر اساس قوانین آمریکا هیچ راننده ای حق ندارد در نزدیکی مدارس خودروی خود را بیش از یک دقیقه بدون حرکت روشن نگاه دارد

احتمال تبدیل ابر آلاینده به مه‌دودهای مرگبار

یک کارشناس شهری با بیان این که احتمال تبدیل ابر آلاینده به مه دودهای مرگبار وجود دارد به تجربه لندن و نیویورک برای مهار آلودگی هوا پرداخت.

چندی است سلسله نشست های «بررسی راهکارهای جهانی مدیریت آلودگی هوا» با حضور جمعی از کارشناسان، اساتید دانشگاهی و اصحاب رسانه در دبیرخانه انجمن علمی اقتصاد شهری ایران برگزار می گردد.

در نشست قبلی برنامه های شهر مکزیکوسیتی برای مهار آلودگی هوا مورد بررسی قرار گرفت که اهم آنها عبارت بود از: توسعه حمل و نقل عمومی با تاکید بر مترو، ایجاد سامانه گسترده BRT، ترویج دوچرخه سواری، کاهش زمان تست الایندگی خودروها، نوسازی تاکسی‌ها و خروج کارخانه‌های آلاینده از شهر. در نشست امروز نیز وضعیت لندن و نیویورک به عنوان دو کلانشهر جهانی در زمینه آلودگی هوا مورد بررسی و پایش قرار گرفت.

دکتر سید محسن طباطبایی مزدآبادی دبیر انجمن علمی اقتصاد شهری ایران در این نشست با اشاره به عملکرد شهر لندن در حوزه مهار آلودگی هوا گفت: این شهر با جمعیت ۸ میلیون و ۶۷۴ هزار نفری یکی از نقاط پر جمعیت اروپایی به حساب می آید و با توجه به صنعتی بودن این شهر، از نیمه های قرن بیستم مهار آلودگی های زیست محیطی در این شهر در اولویت قرار گرفت به نحوی که در سال ۱۹۵۶ لایحه هوای پاک در پارلمان این کشور تصویب شد.

وی با اشاره به اینکه بر اساس این قانون سوزاندن زغال سنگ در منازل محدود شد، افزود: همچنین کارخانه هانیز از درون شهر به بیرون منتقل شدند.

این استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه در قوانین جدید افرادی که قصد دارند با خودروی شخصی به مناطق مرکزی لندن وارد شوند باید عوارض پرداخت کنند گفت: این عوارض به حدی سنگین است که اغلب شهروندان لندن را مایل به استفاده از حمل و نقل عمومی کرده است؛ ضمن آنکه این شهر تحت نظارت برنامه های اتحادیه اروپایی مقررات بسیار سختی در زمینه تولید خودرو با سوخت پاک اعمال می کند و تعویض وسائل نقلیه با الایندگی بالا را در دستور کار خود قرار داده است.

وی در ادامه این نشست به وضعیت نیویورک اشاره کرد و گفت: داستان مرگ چند ده نفر در مه دود سال ۱۹۶۳ در این شهر که بر اثر وارونگی هوا پدید آمده بود منجر شد تا کنگره آمریکا لایحه هوای پاک را به تصویب برساند که در نهایت این قانون به تاسیس سازمان حفاظت از محیط زیست آمریکا (EPA) منتج شد.

طباطبایی گفت: بر اساس قوانین آمریکا هیچ راننده ای حق ندارد در نزدیکی مدارس خودروی خود را بیش از یک دقیقه بدون حرکت روشن نگاه دارد و در صورت نقض این قانون مجبور به پرداخت ۳۵۰ دلار جریمه خواهد شد.

نائب رئیس هیئت مدیره انجمن علمی اقتصاد شهری ایران با تاکید بر اینکه از سال ۲۰۰۵ خودروهای دیزلی مجبور شدند از سوخت جدید با گوگرد اندک استفاده کنند که اغلب خودروهای مدارس را نیز شامل می شد، گفت: با تسهیل حمل‌ونقل عمومی در سال های گذشته میل به خرید اتومبیل شخصی در میان ساکنان نیویورک نسبت به سال ۲۰۰۷ نزدیک به ۲۳ درصد کاهش نشان می دهد و دی اکسید گوگرد تولیدی خودروها نیز نسبت به سال ۲۰۰۸ بیش از ۶۹ درصد کاهش پیدا کرده است.

این متخصص مباحث شهری با تاکید بر اینکه امروز نیویورک بزرگترین ناوگان اتوبوسرانی هیبریدی آمریکا را به خود اختصاص داده، گفت: تاکسی های هیبریدی نیز به بخشی از بدنه حمل و نقل عمومی این شهر تبدیل شده به طوری که بیش از ۲ هزار تاکسی هیبریدی امروز در این شهر مشغول به فعالیت هستند.

طباطبایی با بیان اینکه تاریخ نشان داده است آلودگی هوا می تواند تبدیل به یک بحران جدی برای سلامت بشر شود، گفت: حادثه دره میوز در بلژیک، دونورا پنسیلوانیا و از همه مهمتر فاجعه دسامبر سال ۱۹۵۲ در لندن که در عرض یک هفته چند صد نفر کشته شدن نشان می دهد اگر امروز به دنبال رفع آلودگی هوا نباشیم نهایتا در اشتباهات خودمان غرق خواهیم شد.

وی با تاکید بر اینکه قانون گذاری های زیست محیطی در ایران نوپا و اغلب ناکارآمد است، گفت: این امیدواری وجود دارد که در لایحه هوای پاک این نقایص برطرف شود و به طور جامع و مانعی مساله آلودگی هوا با تمامی عللش مورد بررسی قرار گیرد.

پدیده شهر
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

پدیده شهر
هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم
شماره: ۱۹ ۱۶صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان
December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

گزارش هفته نامه «پدیده شهر» از محله «قاسم آباد» منطقه ۱۳ تهران:

بن بست پشت دیوارهای پادگان!

طاهر عباسی| دیوارهای آجری قرمز رنگ پادگان نیروی هوایی تنها نشانه ثابتی است که از قدیم تا کنون دست نخورده باقی مانده است. دیوارهایی به درازای محله قاسم آباد. محله ای که در آن سوی ۱۴۰ هکتار وسعت پادگان دوشان تپه یا همان پادگان نیروی هوایی قرار دارد. تمام خیابان های محله قاسم آباد وقتی به این دیوارهای قرمز رنگ که می رسند بن بست می شوند. متی در برخی از کوچه های منتهی به این پادگان بن بست دیگری داخل خیابان به بن بست رسیده قاسم آباد ایجاد شده است. هرچند ساکنان قدیمی این محله از ۳۰ سال پیش تاکنون در انتظار برچیده شدن دیوارهای این پادگان قدیمی در دل بافت مسکونی منطقه ۱۳ هستند؛ اما گویی این روزها به بودن دیوارهای بلند این همسایه همیشگی عادت کرده اند. سهم ساکنان محله قاسم آباد از دیوارهای بلند همسایه شان؛ موش هایی است که از داخل کانال آب وارد محله می شوند و سرازاتی که از روی سیم خاردارهای دیوار هوس فرار به سرشان می زند و به قول اهالی محله روی دیوارهای پادگان به بیرون می پرند و در شهر خاکستری تهران ناپدید می شوند. این روزها خانه های فرسوده این محله در حال نوسازی هستند و داخل هر خیابانی که منتهی به پادگان نیرو هوایی می شود؛ ساختمانی از نو ساخته می شود و به سر سال نکشیده قد بلند می کند.

محله قاسم آباد این روزها به نام محله شهید اشراقی شناخته می شود. محله ای که آدرس تمام اهالی محله به پادگان نیروی هوایی ختم می شود چرا که این محله در پشت این پادگان قدیمی تهران به بن بست می رسد. وارد این محله که می شویم؛ گویی کل اهالی محل عزادار هستند. غم از دست دادن سه پسر جوان که شب گذشته زندگی ناکام خود را در چنگال مرگ خاموش واگذار کردند. اهالی محله می گویند شب گذشته این سه جوان در خانه خواب بودند دو برادر و یک دوست که قرار بود روز جمعه برای امتحانات تیزهوشان باهم به مدرسه بروند. اما حیف که این سه جوان صبح آرزوهای خود را ندیدند و به علت گازگرفتگی زندگی را باختند... کل اهالی محله بهت زده داخل خیابان اشراقی جمع شده اند تا تابوت آنها را به سلامت به خانه ابدی شان بدرقه کنند. شاید در روباهای این سه جوان سربازی معنایی جز رفتن به آن سوی دیوارهای قرمز رنگ پادگان را نداشت...

نوسازی در وقت اضافه

در کوچه پس کوچه های محله ساختمان های زیادی در حال ساخت و ساز هستند: «... بیشتر خانه های این محله دوطبقه و شخصی است... سال ها بود خانه هایی که در اطراف پادگان نیروی هوایی قرار داشت؛ اجازه ساخت و ساز نداشتند و فرسودگی به جان این خانه ها که نهایت طبقات آنها به دو طبقه نمی رسید؛ افتاده بود. اما از دو سال گذشته به یک باره شهرداری منطقه مجوز ساخت و ساز این خانه های قدیمی را صادر کرد...» هر چند طبق یک قاعده کلی مجوز ساخت بیشتر از ۴ طبقه به خانه های همجوار مراکز نظامی و پادگان ها داده نمی شود؛ اما در این محله حتی تعداد برخی از ساختمان ها عدد ۴ را نیز رد کرده بودوبه ۵ طبقه و حتی بیشتر هم می رسد: «... اکثر مجوزهای ساخت و ساز در زمان شهردار قبلی منطقه داده شد. اکثر افرادی که در این محله در حال ساخت ملک های قدیمی و شخصی خود هستند؛ توانسته اند مجوز تنگ و عبور خودروهای بزرگ بگیرند.» «الان شهردار جدید منطقه دوباره مجوز ساخت و ساز نمی دهد... می گوید این محله چون مشرف به پادگان است و نمی تواند مجوز ساخت بدهد و اگر هم این مجوز را صادر کند؛ تعداد طبقات طبق همان قانون قبلی تنها ۴ طبقه است نه بیشتر...»

پادگان ۱۴۰ هکتاری نیروی هوایی در طول محله قاسم آباد؛ ۴ دروازه بزرگ دارد که به دلیل اعتراض ساکنان محله اکثر این درها بسته شده و راه به درون محله ندارد و به گفته اهالی تنها در «چکشی» پادگان به این محله باز می شود: «... اما همچنان سرباز سفرهای نیروی هوایی اکثرا از در «چکشی» ورود و خروج دارند... در گذشته رفت و آمد سربازها و خودروهای پادگان آرامش را از ما گرفته بود اما با اعتراض هایی که به مسئولان پادگان و شهرداری منطقه داشتیم؛ بیشتر درهای این پادگان به داخل محله مسدود شد تا شاید رفت و آمد سربازان به داخل محله کمتر شود.» این ها را همسایگان پادگان نیروی هوایی در محله قاسم آباد می گویند که اکنون در دوران همزیستی مسالمت آمیزی با پادگان به سر می برند. اما ساکنانی که در طبقات بالاتر ساختمان های جدید محله به زندگی در کنار پادگان گلایه مند باشند؛ از خوبی های این همسایگی می گویند: «... از بالا از کل پادگان تنها درختان سبز بلند آن پیداست... گویی پنجره های خانه هایمان به روی باغ سرسبز بزرگی باز می شود که هوای آلوده خیابان دماوند را برایمان تلطیف می کند...» اما در کنار این توصیفات شاعرانه برخی از اهالی نسبت به سرسبزی پادگان که در پشت دیوارهای آجری قرمز رنگ پگذریم؛ بیشتر اهالی نبود فضای سبز و پارک داخل محله را یکی از مشکلات محله قاسم آباد می دانستند: «... اگر اهالی محله از همین فضای ۱۴۰ هکتاری پادگان به عنوان فضای سبز امکان استفاده داشته باشند؛ خیلی خوب است... تنها فضای به اصطلاح سبز محله یک فضای ۳۰ متری است که دو نیمکت برای نشستن بیشتر جا ندارد و اگر دو نفر روی نیمکت ها نشسته باشند؛ جایی برای نفر سوم باقی نمی ماند... مردم در میان چهار دیوارهای خود محصور می شوند به ویژه اینکه بیشتر ساکنان این محله سالمندان هستند و جایی برای استراحت ندارند...»

سرسره سواری سربازان روی دیوار آجر قرمز

همسایگان دیوار به دیوار پادگان نیروی هوایی خاطرات دیگری از مهمانان همسایه دیوار آجری خود به یاد دارند. خاطراتی که گاهی باعث شده حتی از مهمانان آن سوی دیوار هم شکایت کنند: «... دو ماه پیش بود که مهمان داشتیم... سه تا ماشین داخل حیاط پارک شده بود... پسرم رفت داخل حیاط که یکدفعه دید یک سرباز صفر داخل حیاط پشت ماشین ها مخفی شده است... از بالای دیوار پادگان پریده بود داخل حیاط تا فرار کند... با پسرم درگیر شد... ما هم شکایت کردیم... از پادگان به خانه ما آمدند و گفتند سربازاتی که از بالای دیوار به داخل محله می پرند را خودشان تنبه می کنند... بعد هم دیوار پادگان را که مشرف به حیاط خانه ما بود درست کردند...»

اهالی محله به فرار سربازان از بالای دیوار به داخل محله را «سرسره بازی سربازان» تعبیر می کنند. اما در کنار سربازان صفر موش های بزرگ هم از داخل کانال آب پادگان راه خود را به داخل محله باز کرده اند: «... موش های بزرگ زیادی از داخل کانال آب پادگان وارد محله می شوند... حتی راهشان را به داخل خانه های محله باز کرده اند... به ۱۳۷ هم زنگ می زنیم بعد از چند روز می آیند و چند تا تله موش می گذارند و می روند... یک کانال آب از داخل پادگان به سمت محله وجود دارد که در شرایط عادی راه آن را مسی بندیم و در زمان بارندگی آن را باز می کنیم تا آب داخل آن جریان داشته باشد... اما واقعا موش های پادگان امان ما را برده است...»

خیابان های تنگ و عبور خودروهای بزرگ بیشتر خیابان های محله قاسم آباد ۶ متری هستند. خیابان هایی که اگر یک لاین آن خودرو پارک شده باشد؛ عبور خودروهای دیگر به سختی انجام می شود: «... بیشتر خانه های این محله در خیابان های ۶ متری یا بعد ۳ متر عقب نشینی کنند تا این خیابان ها به ۱۲ متری تغییر پیدا کنند... الان اکثر خانه هایی که در این دو سال مجوز ساخت گرفته اند عقب نشینی کنند؛ همچنان معبرهای تنگ و باریک محله مشکل ترافیک و رفت و آمد دارند... از طرف دیگر اگر پادگان از این محله خارج شود راه خودروها از خیابان دماوند به داخل خیابان پیروزی باز دسترسی به آن سوی محله به ویژه تنها درمانگاه محله باز کند و آنوقت است که کل این محله قفل می شود...» به رغم آنکه در دو سال اخیر خانه های زیادی فرصت نوسازی در محله قاسم آباد پیدا کردند؛ اما در همین مدت هم که ماشین های بزرگ حمل مصالح ساختمانی به داخل محله کشیده شدند؛ عبور این خودروها حتی باعث خرابی دیوار برخی از ساختمان ها شد: «... ماشین های حمل آجر و سیمان که به داخل خیابان های ۶ متری می آیند... به دلیل اینکه معبر تنگ و باریک است باد بر و باز برخی از ساختمان ها بر خورد می کنند و حتی برخی از این دیوارها خراب شده اند...»

حمام های متروکه محله قاسم آباد

حمام های متروکه محله قاسم آباد تنها امید اهالی محل برای تبدیل شدن آنها به یک فضای سبز کوچک ونقلی است. هر چند این حمام ها تا ۱۵ سال پیش کار می کرد؛ اما اکنون به یک فضای بی دفاع شهری تبدیل شده اند که چهره محله را نازیبا کرده اند. توبوسرانی قرار دارند: برای دسترسی بیشتر باید زحمت زیادی را متقبل شوند... ای کاش شهرداری فکر به حال سالمندان و معلولان زمین حمام؛ آن را به یک پارک کوچک محلی تبدیل کند... با اینکه پارها پیشنهاد این کار به شهرداری داده شده اما تا کنون کار خاصی انجام نشده است... خوب می شد به جای اینکه ساختمان های متروکه و بدون صاحب که چهره محله را زشت کرده است به یک فضای سبز تبدیل شود...»

عبور اتوبوس های تندرو و مشکلات اهالی محله

خط یک سامانه اتوبوس های تندرو نزدیک به یک دهه است که در خیابان دماوند فعالیت می کنند. وسیله حمل ونقل عمومی که به دلیل وجود لاین ویژه سرعت دسترسی شهروندان را از سه راه تهرانپارس به میدان آزادی بیشتر کرده است. اما اهالی محله این سیستم حمل ونقلی را مانع بزرگی برای دسترسی به آن سوی محله به ویژه تنها درمانگاه محلی که در ان سوی خیابان دماوند قرار دارد؛ می دانند. این ها را مادر زهرا می گوید که مجبور است هر هفته دخترش را با ویلچر به درمانگاه ببرد و نرده های سبز رنگ لاین ویژه باعث شده تا او مسافت بیشتری را طی کند تا بتواند از این سوی خیابان به آن سوی خیابان برود: «... قرار بود در نزدیکی محله یک پل عابر پیاده مجهز به پله برقی بسازند اما شهرداری این پل را درست در ایستگاه وحیدیه اتوبوس ها ایجاد کرد که با محله فاصله زیادی دارد.... اگر یک نفر از اهالی محله مریض داشته باشد برای اینکه به درمانگاه برود تا سر پل یا ایستگاه وحیدیه برود تا بتواند به آن سوی خیابان دماوند برود... پیشنهاد دادیم تا چهارراهی مقابل محله ایجاد کنند تا خودروهای محلی به راحتی از آن عبور کرده و به آن سوی خیابان بروند که اعلام شد این کار باعث افزایش تصادف اتوبوس ها با خودروهای شخصی می شود... اما مردمی که در کنار این خطوط اتوبوسرانی قرار دارند؛ برای دسترسی بیشتر باید زحمت زیادی را متقبل شوند... ای کاش شهرداری فکر به حال سالمندان و معلولان محله بکند تا این مشکل نیز رفع شود...»

پرونده خروج پادگان ها از تهران در بن بست سال ۱۳۸۸ بود که در مجلس قانونی تحت عنوان «قانون فروش و انتقال پادگان ها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها» به تصویب رسید که بر مبنای آن به وزارت راه و شهرسازی و شهرداری تهران اجازه داده شد تا در چارچوبی مشخص به خرید اراضی نظامی و انتقال پادگان ها به خارج از حریم اراضی آزاد شده حاصل از این جابه جایی برای جبران کمبود سرانه های خدماتی شهر استفاده کند. قانونی که به نظر می رسد به دلیل مشکلاتی در اجرا در ۷ سال گذشته به بن بست خورده است.

از سوی دیگر طرح جامع شهر تهران و همچنین یک قانون مصوب مجلس، مجموعه دولت و شهرداری را از سال ۷ سال پیش مکلف کرد مجموعه های نظامی و پادگان های مستقر در محدوده پایتخت را به هدف برطرف کردن سه اشکال حضورشان در شهر، «ساماندهی، جابه جا و منتقل» کند. اما تاکنون به دلیل دو مانع سنگین شامل «هزینه تملک اراضی» و «عدم همکاری برخی وزارتخانه ها در تخصیص زمین به پادگان ها در بیرون حریم تهران»، فقط دو پادگان از تهران خارج شده است. این در حالی است که ۵ درصد از مساحت ۶۰۰ کیلومتر مربعی شهر تهران، تحت مالکیت انواع مراکز نظامی و پادگان ها قرار دارد که در مجموع معادل ۳ هزار و ۸۷۳ هکتار است و از این میزان عرصه، دست کم ۵۱۹ هکتار در اختیار پادگان هایی است که قابلیت خروج از پایتخت و استقرار در محدوده خارج از حریم را دارند. شهرداری طبق مقررات بالادست، مجاز است بعد از تعیین تکلیف «نحوه تملک» اراضی پادگان ها توسط وزارتخانه های دفاع، راه و شهرسازی و کشاورزی، عرصه های آزادشده را به نفع شهر و برای تامین خدمات ۷ گانه مورد نیاز پایتخت که در حال حاضر کمبود آن احساس می شود، در اختیار بگیرد. اراضی پادگان ها برای خروج از تهران، می توانند به یکی از سه روش مزایده ای، توافقی با فروش معادل ۳۵ درصد ارزش روز املاک مسکونی مجاور، قیمت گذاری شود، ضمن آنکه منابع مالی خرید این زمین ها باید در بودجه سنواتی دولت یا از طریق عرضه اوراق مشارکت، تامین شود.

از مجموع مساحت ۲ هزار و ۸۷۳ هکتاری اراضی متعلق به نهادهای نظامی در شهر تهران، ۲۳۵۴ هکتار متعلق به اماکن ستادی و ۵۱۹ هکتار متعلق به پادگان هاست که در ۷ منطقه شهر تهران پراکنده شده اند. البته اراضی بزرگ مقیاس نظامی در سه منطقه شهر تهران یعنی منطقه ۲۲،۲۱ و ۴ متمرکز شده اند که در طرح تفصیلی جدید تهران این اراضی در پهنه S۲ پهنه ویژه خدمات و در برخی مناطق خاص همچون مناطق ۲۱ و ۲۲ به عنوان پهنه S۲۲۲ یعنی پهنه ای که حداقل در ۵۰ درصد آن باید کاربری سبز و فرهنگی مستقر شود قرار گرفته اند. ایجاد سیما و منظر شهری نامناسب، دشواری کنترل محدوده پیرامون اراضی و ایجاد امنیت در آن و محدودیت در انجام فعالیت های نظامی در محدوده درون شهر سه عاملی است که موجب شد در نیمه سال ۸۸ شیپور خروج پادگان ها از شهر نواخته شود. بنابراین در سال ۱۳۸۸ در مجلس شورای اسلامی قانونی تحت عنوان «قانون فروش و انتقال پادگان ها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها» به تصویب رسید و بر مبنای آن به وزارت راه وشهرسازی و شهرداری تهران اجازه داده شد تا در چارچوبی مشخص به خرید اراضی نظامی و انتقال پادگان ها به خارج از حریم شهر تهران اقدام کنند. اما با گذشت ۷ سال از تصویب این قانون به جز دو پادگان جی و قلعه مرغی سایر پادگان های موجود در محدوده شهر تهران در مسیر خروج از تهران قرار نگرفته اند. مدیران شهرداری دشواری در تامین منابع مالی و نیاز به وجود یک مدیریت یکپارچه برای ایجاد هماهنگی های لازم را دو علت کند شدن اجرای قانون خروج پادگان ها عنوان می کند. این در حالی است که در حال حاضر با توجه به کمبود سرانه های خدماتی هفت گانه در سطح شهر تهران یکی از بناتسهیل های مهم برای جانمایی خدمات مورد نیاز در شهر استفاده از اراضی آزاد شده مراکز نظامی داخل شهر است. مدیران شهرداری با تاکید بر اینکه مدیریت شهری بنا ندارد هیچ گونه بارگذاری مسکونی بر روی اراضی آزاد شده حاصل از خروج پادگان ها داشته باشد بیان می کنند: مطابق با قانون امکان خروج هر نوع پادگانی از شهر وجود ندارد اما در عین برای بیرون رفتن پادگان های مجاز از شهر از یکسو منابع مالی قابل توجهی نیاز است و از سوی دیگر پادگان ها برای خروج از شهر حتما باید به خارج از حریم شهرها منتقل شوند. برای خروج پادگان ها نیز وزارت کشاورزی مکلف است عرصه هایی را در خارج از حریم شهرها تامین کند. بنابراین به دلیل محدودیت منابع مالی شهرداری، بهتر آن است که شهرداری با مجموعه های نظامی دارای اراضی بزرگ مقیاس در قالب همکاری و مشارکت، بخشی از عرصه پادگان را از طریق ایجاد کاربری های خدماتی صرف تامین منابع مورد نیاز کند ومابقی را به نفع فضاهای باز شهری آزاد کند.

ضمن آنکه چگونگی کاربری اراضی زیر ۱۰ هکتار مجوز کمیسیون ماده پنج و اراضی بیش از ۱۰ هکتار مجوز شورای عالی شهرسازی و معماری کشور را نیاز دارد. به گفته مدیران شهری اگر چه با توجه به مساحت گسترده اراضی متعلق به پادگان ها امکان سرعت بخشیدن به اجرای این قانون بعید به نظر می رسد اما تا کنون مجموعه شهرداری تهران توانسته عرصه های قابل توجهی از این دست را به نفع فضاهای شهری آزاد کند که از جمله آنها می توان به پادگان قلعه مرغی و پادگان جی و نظایر اشاره کرد. در پادگان قلعه مرغی حدا کثر ۱۵ درصد به فضاهای خدماتی و فرهنگی و ۸۵ درصد باقی مانده به بوستان و فضای باز تبدیل خواهد شد.

پدیدشهر

هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵ سال سوم دوره جدید، شماره: ۱۹

۱۶ صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان

December 18 , 2016 WWW. padidehshahr.com

دفتر مرکزی: تهران - میدان هفت‌تیر - خیابان بهار شیراز - خیابان سلیمان خاطر - خیابان ملایری پور غربی - پلاک ۱۰۹ - طبقه ۲ - واحد ۵

تلفن: ۸۸۳۲۰۶۵۴ - ۰۹۱۲۲۲۵۷۸۹۷

سایت اینترنتی: www.padidehshahr.com **پست الکترونیکی هفته نامه:** info@padidehshahr.com

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیمین ساداری اسکر

سردبیر: عابدین ساداری اسکر

معاون سردبیر: افسانه قانع

مدیر اجرایی: عبدا... ساداری

مدیر هنری: گلنوش مریخی

عکاس: مهدی هادی

چاپ: سلام

توزیع: نشرگستر امروز

1 ضرورت تعریف قطب سوم ارتباط

ارتباط صنعت و دانشگاه ارتباطی دوسویه نیست، برقراری ارتباط صنعت و دانشگاه یک رابطه سه سویه است و لازم است دولت به عنوان مجری برقراری این ارتباط، وارد این موضوع شود. بنابراین نمی توان انتظار داشت که دانشگاه یا خودروساز به صورت یک جانبه اقدام به سرمایه گذاری کند این ارتباط یک ارتباط سه جانبه است و بی شک ارتباط دو جانبه در کوتاه مدت دستاورد خوبی به همراه نخواهد داشت. شاید الگوی ارتباط صنعت و دانشگاه شرکت‌های خودروساز اروپایی باشند که تحقیقات و پروژه‌های خود را با همکاری دانشگاه‌ها انجام می‌دهند، الگوپذیری از این کشورها امکانپذیر است اما در بلندمدت محقق می‌شود بنابراین برای اجرای این روند در کوتاه مدت و به نتیجه رسیدن، نیازمند قطب سوم و قانونگذار مشخص است. بهترین اقدام در فضای فعلی این است که در چارچوب قراردادهای جدیدی که شرکت‌های خودروساز با خارجی‌ها منعقد می‌شود، دانشگاه حضور داشته و از تجربه آنها با هدف توسعه دانش فنی خود استفاده کند و بخشی از انتقال دانش فنی که در حال انجام است را بومی کند.

2 تاثیر مثبت توسعه ارتباطات بر قطعه‌سازان

به طور قطع بهترین اثر ارتباط صنعت و دانشگاه بر قطعه‌سازان نمود خواهد داشت. قطعه‌سازان باید با استفاده از پروژه‌های تحقیقاتی خود، نسبت به کاهش هزینه‌های تولید، افزایش بهره‌وری، بهینه‌سازی مواد، طراحی محصول و تغییرات مهندسی خود اقدام کنند. در این شرایط صنعت می‌تواند از ارتباط ایجادشده با دانشگاه‌ها بهترین استفاده را برده و از سوی دیگر خودروساز نیز به عنوان ذینفع می‌تواند ورود کرده و حمایت‌هایی انجام دهد، اما ساخت و ایجاد چنین طرح‌های توجیهی که منجر به بهبود کیفیت تولیدات شود و جریان را برای قطعه‌سازان اقتصادی کند جریانی است که نیازمند توسعه بیشتر خواهد بود. یکی از حوزه‌هایی که تاکنون بر روی آن کار شده اما جای کار بیشتری برای آن وجود دارد توسعه ارتباط مجموعه قطعه‌سازان با صنعت خودرو است. ممکن است در کشور حدود ۵ خودروساز بزرگ و دست‌اندرکار خودروسازی باشد که بتوانند با چندین دانشگاه و مراکز عالی ارتباط داشته باشند اما در قطعه‌سازی حدود هزار قطعه‌ساز کوچک و بزرگ وجود دارد که می‌توانند به صورت فردی و یا کنسرسیوم‌های مشترک بر روی کیفیت قطعات و دوام مجموعه‌ها سرمایه‌گذاری‌های مشترکی به صورت پروژه‌های دانشگاهی داشته باشند. ارتباط صنعت خودرو و دانشگاه تنها متمرکز به خودروسازی نیست، بیشترین حوزه‌های تمرکز فعالیت‌های انجام‌شده، دانشگاه‌هایی بوده‌اند که با خودروسازان طرف حساب بوده و تمایل بیشتری برای همکاری با خودروسازان داشته‌اند. بنابراین اگر دانشگاه‌ها، دانشجوها را بیشتر به بازاریابی پژوهشی و اجرای پروژه‌های مشترک با قطعه‌سازان سوق دهند، صرفه اقتصادی بالاتری برای صنعت و دستاوردهای بهتری برای دانشگاه به همراه خواهد داشت.

4 اهداف راه‌اندازی دانشگاه جامع علمی کاربردی ساپکو

آموزش‌ها در ساپکو با محور کیفیت، ساخت، خودکفایی و طراحی مهندسی انجام خواهد شد. از ابتدای سال جاری آموزش‌هایی در مباحثی چون مدیریت مسائل غیرفنی و غیرتخصصی انجام می‌شود. ضمن آنکه آموزش‌هایی برای سازندگان دوره‌های مهارت، مونتاژ، رنگ و موتور نیز ارائه می‌شود. حمایت از مراکز آموزشی و موسسات از مسئولیت اجتماعی ایران خودرو است. ساپکو با ارایه قطعات داغی خودرو، موتور و سایر قطعات، حمایت خود را از این مراکز اموزشی انجام می‌دهد ضمن آن که این شرکت همواره میزبان کارآموزان زیادی از دانشگاه‌های متفاوت است و همواره نظارت دقیقی بر کارآموزان فعال در این شرکت انجام می‌دهد. تعریف پروژه‌های دانشگاهی و حمایت از پایان نامه‌های دانشجویی ارشد و دکترا از دیگر اقدامات این شرکت است. در این شرایط کارکنان ساپکو به عنوان سرپرست پروژه تعریف می‌شوند و در دوران پروژه نیز در کنار دانشجویان بوده و در تولید مواد و تست آنها را حمایت می‌کند. مسئولیت‌های اجتماعی و پرورش متخصصانی از جامعه در راستای جذب به صنعت خودرو و زنجیره تامین از اهداف ایجاد دانشگاه علمی و کاربردی ساپکو است. بر این اساس ساپکو از کسانی که تحصیل خود را در این رشته ادامه می‌دهند، حمایت خواهد کرد. تعریف پروژه‌های بزرگتر با دانشگاه‌ها از دیگر اقدامات ساپکو در راستای توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه است که از آن جمله می توان به انعقاد تفاهم‌نامه همکاری و تعریف پروژه هایی با دانشگاه تهران، امیرکبیر و صنعتی شریف اشاره کرد.

5 کمیته‌های تخصصی در ساپکو زنجیره تامین

نیمی از هزینه هر پروژه اینترشیپی که با دانشگاه‌ها انجام شود، توسط ساپکو پرداخت می‌شود. این شرکت در نظر دارد کمیته‌های تخصصی در ساپکو زنجیره تامین راه‌اندازی کند تا قطعه سازانی که توانمندی خاصی دارند در کنار یکدیگر قرار گیرند که ساپکو نیز در این میان در جهت ارتقای دانش و علم این دسته از قطعه سازان، نقش تیم‌های حل مسئله را ایفا می‌کند. اساتیدی که در این روش مورد استفاده قرار می‌گیرند، در چند سطح قرار دارند و آموزش‌ها را به قطعه‌سازان ارائه می‌دهند. این شرکت در نظر دارد با هدف مدیریت دانش از قطعه سازانی که دانشی مهجور مانده دارند استفاده کند. هر اقدامی که از سوی ساپکو چه در قالب آموزش‌های تخصصی و چه بحث تعریف پروژه انجام می‌شود، بدون نتیجه باقی نمی‌ماند. بنابراین باید اثربخشی پروژه‌ها رصد شده و در برنامه‌ها قرار گیرد. در بحث پروژه‌هایی که انجام می‌شود نیز پروژه‌های اینترشیپ بر اساس نیاز انجام شده که در جلسات بررسی نماینده تخصصی ساپکو، نماینده قطعه سازان وجود دارد و پس از جمع آوری امضاها پروژه‌های تعریفی آغاز می‌شود. فعالیت موسسه‌ای به عنوان موسسه آموزشی و پژوهشی صنعت خودروسازی زیر مجموعه دانشگاه جامع علمی کاربردی ساپکو با هدف توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه از سوی صنعت خودرو را نیز از دیگر فعالیت ساپکو در این بخش می توان دانست. این اقدامات از مصادیق بارز ارتباط مجموعه خودروساز با دانشگاه‌ها و مراکز علمی است. گروه صنعتی ایران خودرو در صدد است تا با افزایش و تعمیق ارتباط با دانشگاه از توان و دانش موجود در مراکز علمی بهره برده و از آن جهت دست یابی به اهداف کیفی خود گام بردارد.

3 فعالیت کانون نمایندگان آموزشی زنجیره تامین در ساپکو

در حال حاضر شرکت ساپکو به عنوان متولی زنجیره تامین گروه صنعتی ایران خودرو با ۶۰۰ سازنده فعال همکاری می کند. این سازندگان با معیارهای مختلفی مورد ارزیابی قرار می گیرند و توانمندی‌های فراوانی دارند. ارتقای کیفیت از رویکردهای کلان ساپکو در دو سال گذشته بوده و گسترش ارتباط قطعه سازان با دانشگاه‌ها را گریزناپذیر کرده است. واحد آموزش سازندگان ساپکو نیز در حال برنامه‌ریزی آموزشی برای ارتقای کیفی قطعات است. دعوت از شرکت‌های خارجی طراح، تامین کنندگان مواد و قطعات خودرو با هدف برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزش‌های تخصصی برای قطعه‌سازان داخلی از اقدامات انجام شده در شرکت ساپکو است. برگزاری نشست‌های مشترک بین قطعه‌سازان داخلی و قطعه‌سازان معتبر خارجی، حمایت از ایجاد قراردادهای جوینت ونچر بین قطعه‌سازان داخلی و خارجی و حمایت از ادامه تحصیل و اعطای بورسیه به کارکنان مشتاق به ادامه تحصیل در دانشگاه‌های معتبر با هدف حفظ ارتباط با دانشگاه‌ها و به روز آمدی دانش همکاران از دیگر اقدامات ساپکو با هدف توسعه ارتباط صنعت خودرو با دانشگاه بوده است.

تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه نیازمند ضلع سوم است

همکاری بنیادین ایران خودرو با مراکز علمی و دانشگاهی

کم‌رنگ بودن ارتباط صنعت خودرو و دانشگاه یکی از موضوعاتی بوده که گاهی مطرح می‌شود اما نگاهی به اقدامات انجام‌شده در صنعت خودرو، خلاف این موضوع را به اثبات می‌رساند. شاید علت اصلی این شائبه نبود شفافیت لازم در انعکاس اقدامات انجام‌شده در ارتباط با دانشگاه در سال‌های گذشته بوده است. اما بررسی گزارشان می‌دهد صنعت خودرو با دانشگاه بیگانه نبوده و حتی در برخی موارد که تعداد آن کم نیست، پیشگام در برقراری این ارتباط بوده است. بر همین مبنا و با ورود همکاری میان خودروسازی و دانشگاه، مصداق این ارتباط را مضور تعداد زیادی از مدیران صنعت خودرو در همکاری با دانشگاه دانست به طوری که در حال حاضر چند پروژه را به صورت پایان نامه تحصیلی اینترشیپ پیش برده و در چند نمایشگاه بین المللی صنعت خودرو، دستاوردهای حوزه ارتباط با دانشگاه را به منصه ظهور گذاشته‌اند. آخرین دستاوردهای ارتباط صنعت خودرو با دانشگاه‌ها در حوزه نرم‌افزار و مدیریت نشان می‌دهد، قابلیت‌های خوبی در حوزه دانشگاه وجود دارد و صنعت خودرو توانسته به خوبی از آنها استفاده کند. به عنوان مثال گروه صنعتی ایران خودرو توانسته در زمینه کسب دانش همکاری‌هایی را با دانشگاه‌هایی همچون دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، امیرکبیر، دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه علم و صنعت پیش ببرد. گروه صنعتی ایران خودرو سرمایه‌گذاری‌هایی را برای همکاری با دانشگاه در زمینه طراحی پلتفرم انجام داده است. ایجاد شرکت‌های دانش بنیان به صورت همکاری‌های مشترک جزو سیاست‌های تدوین شده ایران خودرو است و با برخی از دانشگاه‌ها بر سر توسعه محصول جدید و طراحی پلتفرم فعالیت‌های مشترکی در حال انجام است. در حال حاضر ارتباط صنعت خودرو به ویژه ایران خودرو با دانشگاه‌ها در حال گسترش است هرچند که در ایده آل ترین وضعیت قرار ندارد اما تلاش‌های برای رسیدن به نقطه مطلوب ادامه دارد.